

کارگران - اسطوره‌های سرنوشت ساز ورهای بخش از وابستگی‌ها

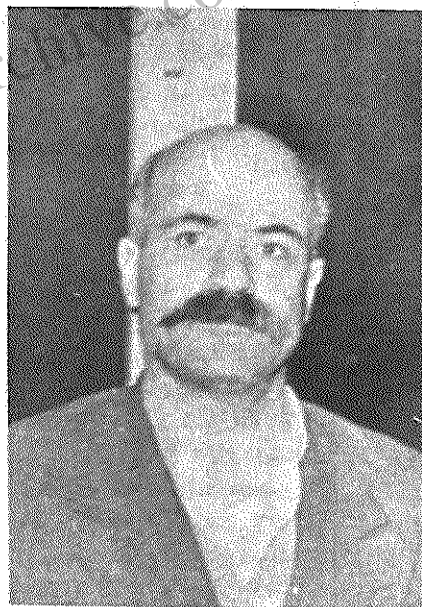
صفحه ۴



دوره هفتم، سال سوم، شماره ۵۰۹ - دوشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۰
مطابق با ۶ رجب ۱۴۰۱ - بها: ۱۵ ریال

بمناسبت سالگرد شهادت

خسرو روزبه، قهرمان ملی ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران



«من به اقتضای آتشی که بخاطر خدمت به خلق‌های ایران در درون سینه‌ام شعله می‌کشد، راه حزب توده ایران را برگزیده‌ام و باید اذعان کنم که: جانم، استخوانم، خونم، گوشتم، پوستم و همه تار و پود وجودم این راه را راه مقدسی شناخته است و تمام سلول‌های بدن من و تمام ذرات وجودم، توده‌ایست».

این صدا ۲۳ سال پیش، شاه جلاد را، که میخواست برداری خون توده‌ها، و پیشاپیش آنها توده‌ای‌ها، تخت سلطنت فنکین، خود را استوار سازد، به لرزه انداخت. این خروش مقاومت توده‌ها و حزب آنها بود که از دهان رفیق خسرو روزبه، قهرمان ملی ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، فریاد روشن را نوید می‌داد.

روزبه ستارهای بود که در همان آغاز شب خوفناک «آریامهری»، که سلطه خویش را ابدی می‌پنداشت، بر ظلمت آن زخم زد و در پرتو خویش، طلوع خورشید آزادی را نوید داد. رفیق شهید خسرو روزبه، در آغاز درندگی تاریخ ایران، در آغاز درندگی «آریامهری»، ۴ سال تمام در تشکیلات مخفی حزب توده ایران با دشمن رزمید. روزبه هنگامیکه دستگیر شد، شکنجه‌گاه و سپس بیدادگاه رژیم دست‌نشانده رابه صحنه مبارزه تازه‌ای تبدیل کرد.

روزبه با صلابت کلام، از همین خود، از حزب خود و از عقاید خود در بیدادگاه شاه ملعون دفاع کرد:

«... من به عقاید پای‌بندم، نظرات سیاسی‌ام را مقدس می‌شمارم، به عهد و سوگند خود وفادارم و به امضای که زیر آنکت حزب توده ایران کرده‌ام، احترام می‌گذارم و هرگز بخاطر جلب منفعت و یا دفع خطر، پیمان خود را نمی‌شکنم».

روزبه قهرمان، در دفاعیات خود رژیم «آریامهری» را به محاکمه کشید و در دفاعیه خود حکم محکومیت شاه ملعون و رژیم دست‌نشانده‌اش را صادر کرد، و آنگاه رسماً از دادستان تقاضای صدور حکم اعدام خود را نمود. رژیم شاه ملعون، چنانکه شیوه همه ستمکاران تاریخ است، پنداشت که با تیرباران روزبه، او خواهد مرد، از اینرو حکم اعدامش را صادر کرد. وقتی حکم دادگاه را خواندند، روزبه از یکی از تکبیبانان خواست تا جعبه شیرینی را، که در سلول داشت، بیاورد و میان حاضران تقسیم کند. در سپیده دم ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۷، درخیمان جوخه اعدام را آماده کردند. روزبه قهرمان - چنانکه رسم توده‌ای‌هاست - با سری افراشته به میدان تیربارانی، که او را برای همیشه زنده نگاه میداشت، پای گذاشت.

آقای محمد خیبری، سرهنگ بازنشسته، که شاهد مراسم اعدام او بوده است، لحظه تیرباران را چنین توصیف کرده است:

«به سربازان جوخه اعدام سلام کرد و اظهار داشت: من میدانم به منظور انجام وظیفه و - همان اطاعت کورگورانه - در اینجا گرد آمده‌ام، تا وطن پرستی مثل مرا تیرباران کنید. بر شما خرده نباید گرفت... می‌خواستند بقیه در صفحه ۴

نامه وزارت کشور به دادستانی کل انقلاب اسلامی درباره واگذاری دفاتر حزب توده ایران

پس از انتشار اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستان کل انقلاب اسلامی، دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران طی نامه‌هایی به مراجع مختلف دولتی و قضائی، از جمله وزارت کشور، خواهان استرداد دفاتر حزب توده ایران شد.

در پاسخ نامه‌های حزب توده ایران به وزارت کشور، سرپرست اداره کل سیاسی وزارت کشور نامه‌ای به شماره ۳۱۵۹۴۳، بتاریخ ۲۱/۱۰/۶۰، به دادستانی کل انقلاب اسلامی نگاشت و رونوشت آنرا جهت اطلاع برای حزب توده ایران ارسال داشته است، که در زیر عین آنرا میخوانید:

دادستانی کل انقلاب اسلامی
حزب توده ایران ضمن نامه شماره ۱۲۰ مورخ ۲۱/۱۰/۶۰ و نامه مورخ ۲۲/۱۰/۶۰ که فتوکپی آنان پیوست میباشند تقاضای تحویل دفاتر خود را نموده است. با توجه به اطلاعیه ماده‌ای آن دادستانی چنانچه حزب مذکور شرایط ارائه شده را عملاً بپذیرند واگذاری دفاتر حزب در صورتیکه از اموال عمومی یا اموال فراریان یا مجهول‌المالک نباشد از نظر وزارت کشور بلامانع است.

۳۱۵۹۴۳
۲۱/۱۰/۶۰
حمید بهرامی
سرپرست اداره کل سیاسی
حزب توده ایران - عطف به نامه فوق‌الذکر جهت اطلاع
(صندوق پستی ۴۱۳۵۵۱ منطقه ۱۴ پستی تهران)

لازم به یادآوری است که:

اولاً حزب توده ایران نخستین سازمان سیاسی بود که اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستان کل انقلاب اسلامی را تأیید کرد. ثانیاً خانه حزب توده ایران اجاره‌ای است، مالک خانه معلوم و در تهران است و کرایه خانه هم، با اینکه در اختیار حزب توده ایران نیست، به مالک خانه پرداخت میشود. لذا باریکری از دادستانی کل انقلاب اسلامی و دادستانی انقلاب اسلامی در مرکز و در تمام شهرستانها انتظار داریم که - همانطور که در نامه‌های حزب توده ایران به این مراجع نیز آمده است - برای بازپس‌دادن دفاتر حزب توده ایران و نامه مردم اقدام کنند و بدینوسیله فعالیت قانونی و آزاد حزب توده ایران را، که فقط بسود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، تأمین و تضمین نمایند.

داستان «کروپ» و «تالپوت» چیست وبکجا می‌تواند منتهی شود؟

طاغوت، یکی از اشکال وابستگی اقتصاد ایران به اقتصاد امپریالیستی آلمان فدرال بود. اینک در ایران انقلابی، همانطور که در زمینه‌های دیگر به سلطه انحصارات امپریالیستی خاتمه داده شده و می‌شود، به سلطه‌عظیم‌ترین سرمایه‌های انحصاری امپریالیسم آلمان فدرال نیز باید پایان داده شود. این امر مستلزم استرداد قرضه‌های ایران از «کروپ»، فروش سهام آن و پایان دادن به رشته‌های نامرئی سلطه غارتگرانه آن بر اقتصاد ایران انقلابی است.

متأسفانه نتایجی که تاکنون از سفر آقای تورپخش اعلام شده، نه فقط یاس‌آور، بلکه نگران‌کننده است. روزنامه‌ها اطلاعات (۲۱/۱۰/۶۰) در خبری که به نتایج سفر معاون وزارت اقتصاد و دارائی به آلمان فدرال اختصاص داده، می‌نویسد: «این سفر به منظور شرکت در جمع سالانه کمپانی «دویچه بقیه در صفحه ۴

تحریکات ضد انقلاب در نقده شدت می‌گیرد

● مزدوران باند قاسملو - صدام حسین - اویسی بر شدت عملیات خود افزوده‌اند.

۱- افراد مسلح باند قاسملو به افراد سپاه پاسداران، نیروهای بسیج و ارتشی در روستای داره‌لک حمله کردند. بنا بر اطلاعات موق، در این حمله افراد اویسی و نیروهای باصطلاح ارتش آزادیبخش ایران (ساواکیا) و ضدانقلابیون فراری نقش فعالی داشته‌اند؛

۲- به شهادت رسانیدن تعدادی بقیه در صفحه ۷

در ۲ روز گذشته:

۷ انبار مهمات و چند تانک دشمن نابود شد

رزمندگان انقلاب در جبهه‌های نبرد علیه تجاوزگران صدامی، طی ۲ روز گذشته به پیروزی‌های جدیدی دست یافتند. در جریان این نبردها، ۳ تانک، ۷ انبار مهمات، ۴ کامیون حامل مهمات و تعدادی از افراد دشمن نابود شدند.

اطلاعیه شماره ۴۹۷ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در این مورد حاکیست که در جبهه قوسمان، رزمندگان نیروی زمینی مواضع دشمن را بقیه در صفحه ۴

از برنامه حزب توده ایران برای تثبیت، تحکیم و گسترش همه‌جانبه انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران: برای شکوفایی اقتصاد کشور

اقتصاد کشور ما در تمام دوران چنددهه‌ساله تسلط امپریالیسم و همدستان‌پرانی، یعنی خاندان پهلوی، بزرگ‌مالکان و کلان-سرمایه‌داران وابسته، به‌طور مشخص در جهت تأمین منافع اقلیت ممتاز و حداکثر غارتگری انحصارهای امپریالیستی و وابستگی‌شان در ایران تکامل یافته و با هزاران زنجیر به اقتصاد جهان امپریالیستی وابسته است. بی‌آمد چنین سیاست خائنه‌ای این است که ما امروز شاهدش هستیم.

میبین ما ایران از لحاظ ثروت‌های طبیعی به‌درستی در فهرست غنی‌ترین کشورهای جهان جای دارد. کافی است در این چهارچوب اشاره شود که با آنکه منابع نفتی به‌وسیله کسرسیوم خون‌آشام امپریالیستی غارت می‌شود، تنها در ۵ سال قبل از بقیه در صفحه ۴

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

دشنام و افترا به حزب توده ایران به «جرم» دفاع از انقلاب!

پار دیگر روزنامه «میزان» در شماره سهشنبه پانزدهم اردیبهشت ۱۳۶۰، يك ستون خود را به دشنام و افترا علیه حزب توده ایران اختصاص داده است. این پار فرد ناشناسی، باسم محمدتقی عالمی، که «میزان» او را «حجت الاسلام» معرفی کرده، به حزب توده ایران دشنام داده و افترا زده و دفاع انقلابی آن را از جمهوری اسلامی ایران «چاپلوسی» نامیده است. در شان ما نیست که به دشنامها و افتراهائی که تکرار یابوهای ساواک است، جواب بدهیم. اما آنچه باید ذکر کرد، محتوای واقعی مطلب است، که در واقع دشنام و افترا به حزب توده ایران، فرع آن قرار میگیرد. نویسنده مطلب، ظاهراً به اصطلاح «چاپلوسی» ما را در برابر جریان انحصارطلب محکوم کرده، ولی در واقع دفاع ما را از انقلاب محکوم کرده است. نویسنده نامه و روزنامه منتشرکننده آن، که ظاهراً از سینهچاکان «آزادی» هستند، بویژه از این

بمناسبت سالگرد... بقیه از صفحه ۱

چشمائی را ببندند. خسرو روزبه مانع این حرکت شد و باصدای رسا گفت: جوخه گوش بفرمان من! سرهنگ جاویدپورخواست این صدا را محو کند، ولی نتوانست. روزبه با صدای رسا و غیرقابل انتظار فریاد کشید: - مرگ بر شاه خائن!

- زنده باد حزب توده ایران! در همین موقع رگبار گلوله به سوی پیکر دلورش سرازیر شد.

و باین ترتیب، رفیق خسرو روزبه، قهرمان ملی ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، شقایق سوزان جان خویش را در راه انقلاب بریز کرد. و طولی نکشید که فریاد «مرگ بر شاه» به شعار اصلی خلق مبدل شد و بساط فتنین سلطنت را به زباله دان تاریخ افکند. و همراه آن فریاد «زنده باد حزب توده ایران» هواره بر دهان هزاران توده ای جاری است، که در سنگرهای رزم و ایثار، می رزمند، تا راه رفیق شهید قهرمان خود را به پایان برسانند.

اکنون نسل نو توده ای، دست در دست نسل کهنسال توده ای، با خاطره رفیق شهید میثاق می بندند که دوشادوش خلق، تا پیروزی قطعی و نهائی انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی ایران برزنند و امروز در بیست و سومین سال تیرباران خسرو روزبه، در جان عاشق هر توده ای، يك روزبه قد پسر می افزاید و فتح فردا را نوید می دهد.

و ماه اردیبهشت، تنها نام خسرو روزبه را بعنوان شهید توده ای در سینه خود حک نکرده است. در این ماه رفقا کوچک شوشتری (۱۷ اردیبهشت ۱۳۳۳) و ارطغرل سالخانیان (۱۸ اردیبهشت ۱۳۳۳) رحیم شیخ زاده (۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۷) اقدام دوست، نیکخواه، محبت خواه، محدودپور، بلندی (۲۳ اردیبهشت ۱۳۳۳) ابراهیم مفتاح (۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۷) گلناری، فروغی، زهتاب، چایان و عظیم زاده (۱۷ اردیبهشت ۱۳۳۹) جان خویش را نثار خلق و انقلاب کرده اند.

در این ماه همچنین سالکشت فتدان رفقا عبدالحمین توشین (۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۰) و محمدعلی افراشته (۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۸) خاطره آنها را در یادها زنده می دارد.

حزب توده ایران درود خود را نثار همه این رفقای رزمنده می کند و یادشان را گرامی میدارد.

اقتصاد ایران مطرح است.

همزمان با سفر معاون وزارت امور اقتصادی و دارائی، خسر معامله ۱۲ میلیارد پوندی بین «ایران ناسیونال» و کمپانی مافوق ملی انگلیسی «تالیوت» در جراید منتشر گردید. در این زمینه نیز، با وجود نگرانی افکار عمومی، تاکنون توضیح قانع کننده ای از جانب مقامات مسئول داده نشده است. بنا اینحال نمی توان پنهان داشت که صحبت بر سر «یکی از بزرگترین سنارشات صادراتی است» که تا بحال يك کمپانی انگلیسی بدست آورده است. در این معامله، مبلغ آن، که خود رقم نجومی است، کمتر مطرح است، تا اصل آن، که حداقل برای پنج سال دیگر صنایع اتومبیل ایران را وابسته و بصورت موتاز نگاه خواهد داشت.

جالب اینکه وزیر صنایع و معادن نیز بجای روشن ساختن زوایای مبهم معامله پر خس و صدای «ایران ناسیونال»، پراز تشکیل جلسه هیئت دولت، تقریباً با همان لحنی از این معامله یاد کرده است که اکنون آقای نوربخش در مورد «گروپ» اظهار می کند. روزنامه ها از قول آقای وزیر صنایع و معادن نوشتند:

«وزیر صنایع و معادن ضمن برشمردن عملکرد شرکتها و کارخانجاتی که نیاز به ورود قطعات یدکی از خارج دارند، معامله اخیر کارخانجات ایران ناسیونال را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد...»

ظاهراً مسئله چندان مهم نیست و صحبت فقط بر سر معاملات ایران با دو کمپانی مافوق ملی آلمان غربی و انگلیسی است. اما در واقع موضوع بسیار جدی

داستان گروپ...

بقیه از صفحه ۱
بابتکوک، که ایران سهامداران است، صورت گرفت... با مقامات کمپانی «گروپ» نیز مذاکره و تبادل نظر شد. براساس این مذاکرات قرار شد ایران نیازهای صنعتی و تخصصی خود را در درجه اول از امکانات این کمپانیا تامین کند.

«اطلاعات» اضافه می کند: «بنا به گفته معاون وزارت امور اقتصادی و دارائی، قرار است در آینده يك گروه کار شامل نمایندگان وزارتخانه های پست و تلگراف و تلفن، صنایع، نیرو، کشاورزی، راه و ترابری برای بررسی امکانات موجود این کمپانیا تشکیل شود.»

چنانکه می بینیم، نه فقط مسئله پایان دادن وابستگی ایران به سرمایه های انحصاری امپریالیستی آلمان فدرال، و در این مورد مشخص خاتمه دادن به سلطه «گروپ» بر اقتصاد ایران، مطرح نیست، بلکه حتی صحبت از ادامه این روابط و «در درجه اول» قرار دادن استفاده ایران از «امکانات» گروه «گروپ» مطرح است.

از این مهتر، خسر مزبور از بسط فوق العاده سلطه سرمایه های انحصاری آلمان فدرال بر همه شئون اقتصادی حکایت می کند. اجتماع گروه کار، شامل نمایندگان وزارتخانه های پست و تلگراف و تلفن، صنایع، نیرو، کشاورزی و راه و ترابری برای بررسی استفاده از امکانات کمپانیهای گروه «گروپ»، نشان دهنده آنست که، از نظر انحصارات آلمان فدرال بسط سلطه بر تمام رشته های گرمی

برای شکوفائی...

بقیه از صفحه ۱
انقلاب بیش از یکصد میلیارد دلار از فروش نفت به مارسید که آن خود سهم کوچکی از ارزش واقعی نفت غارت شده بود. این خود سهم کوچکی از ثروت های عظیم ملی است که می توان برای رشد اقتصاد مورد بهره برداری قرار داد.

مردم کشور ما از لحاظ فرهنگ ملی، استعداد، ابتکار و پشتکار در قیاس با هیچیک از ملت های دیگر، کمبودی ندارند. نیروی انسانی و ثروت های طبیعی مسا

محمد زهوی

شهید رشید

بر خاک مرد هستی
گر اهل درد هستی
یکدم

- میان این همه غوغا -

سکوت کن.

آزاده وار زیست
آزاده وار مرد
با زندگی،
مبارزه را آموخت
با مرگ،
بایمردی ایمان را.
این است کارنامه مردی که «مرد» بود.

در سالهای سخت،
یادش چراغ روشن ما بود.
او در سینه دم،
با هر شهید،
تیرباران می شد.
هر شب زبند بند،
با هر اسیر بیدار،
فریاد می کشید.
او در میان صفا بود.
با ما بود.
با ما بهار را می خواست،
با ما شادی راه،
با ما بهار خرم آزادی را ...

اینک،
روز به است،
امید روز بهتر هم با ما.
اینک بهار شادی
جای تو، ای شهید رشید - امروز -
اینک بهار خرم آزادی
خالی است.

اردیبهشت ۱۳۵۸

★ در نخستین بهار آزادی، بر گورگاه خسرو روزبه، خوانده شد.

تصحیح

در شماره ۵۰۸ «نامه مردم» در مقاله «با اقتصاد شوروی - فضتین و بزرگترین کشور سوسیالیستی جهان آشنا شویم» در جدول تولید فرآورده های دامپروری، واحد ارقام تولید تخم مرغ میلیارد داده است، که بفلط هزار دانه چاپ شده است.

در شماره ۵۰۸ «نامه مردم» در مقاله «انتخابات مجلس نمایندگان در برلین غربی» معادل آلمانی منع کار بفلط «بزوخر فروت» چاپ شده، که درست آن «پروفور فروت» است.

و نیز يك توب ۱۳۰ میلیتری آسیب وارد آمد. در نبردهای ۲ روز گذشته، رزمندگان انقلاب همچنین موفق شدند حمله چند فروند هوایمی دشمن به شهرهای غرب و جنوب را خنثی کنند. تجاوزگران صدامی در مقابل ضرباتی که در جبهه های نبرده آنان وارد شد، مناطق مسکونی شهرهای سردشت، دزفول و آبادان را مورد حمله قرار دادند. در جریان حمله هوایی به آبادیهای سردشت، که روز ۱۷ اردیبهشت صورت گرفت، ۲۵ نفر شهید و ۳۰ نفر زخمی شدند. درحمله های مشابه ارتش صدامی به شهرهای دزفول و آبادان نیز تعدادی از منازل مسکونی ویران شد.

۷ انبار مهمات...

بقیه از صفحه ۱
زیر آتش گرفتند، که در نتیجه آن تعدادی از سنگرهای اجتماعی و افرادی و نیز يك انبار مهمات دشمن منهدم شد. در یکی از جبهه های غرب دزفول نیز بر اثر حمله رزمندگان انقلاب به نیروهای دشمن، ۳ تانک، ۴ انبار مهمات و يك کامیون حامل مهمات ارتش صدام به آتش کشیده و منهدم شد. در این عملیات تعدادی از افراد دشمن کشته و زخمی شدند. در جبهه دیگری در همین منطقه، رزمندگان انقلاب با اجرای آتش سنگین توپخانه و خمپاره انداز، ۲ تانک دشمن را از کار انداختند و يك انبار مهمات آنانرا نابود کردند. در همین عملیات يك سنگرتیربار و يك موضع خمپاره انداز دشمن را به آتش کشیده و ۲۰ نفر از تجاوزگران صدامی به هلاکت رسیدند. در جبهه های آبادان و خوزین شهر بر اثر آتش توپخانه و سلاحهای سنگین نیروهای خودی، ۲ کامیون حامل مهمات، در خودرو، ۲ پستای دیده بان، يك سنگرتیربار و يك سنگر بتونی دشمن نابود شدند.

در عملیات مشابهی در منطقه فار، ۲ سنگر اجتماعی و افرادی، يك موضع آرپی.جی، ۷، يك انبار مهمات و يك محل تجمع دشمن نابود شد. و به تعدادی از تانکها

بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران وابسته به امپریالیسم جهانی است و راه نجات از این وضع فلاکت یار تنها در پایان دادن به اقتصاد فئودالی و سرمایه داری وابسته است. تاریخ تمام آن کشورهای جهان سوم، که در جاده شوم رشد سرمایه داری افتاده اند، و تاریخ کشور خودمان، به روشنی بی سرنجامی و ناتوانی این راه رشد را برای چیره شدن بر عقب ماندگی تاریخی تأیید کرده است. تنها سمت گیری در راه رشد غیر سرمایه داری، یعنی پایه ریزی اقتصاد مردمی، اقتصادی که هدفش

برقراری عدالت اجتماعی، پایان بخشیدن به سلطه غارتگرانه بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران و کارگزارانشان از یکسو و گسترش و پیشرفت همه جانبه اقتصاد کشور در جهت رسیدن به حداکثر خودکفایی و تامین رفاه اجتماعی از سوی دیگر است، می تواند تیره بختی های حاکم در جامعه کنونی ما را ریشه کن سازد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سنگهای بنیادین قابل توجهی برای يك چنین سمت گیری اقتصادی کار گذاشته است. لازم است بر این بنیاد، بنای اقتصاد مردمی و پیشرفته را برپا کرد.

سیاست همزیستی مسالمت آمیز

چگونه سیاستی است؟

سیاست همزیستی مسالمت آمیز را هنوز برخی به غرض و برخی نیز به دلیل برخورد سطحی به مفاهیم لغوی "همزیستی" و "مسالمت آمیز"، سیاستی آشتی جویانه و حتی سازشکارانه تعبیر می کنند، که گویا بین سوسیالیسم و امپریالیسم، بین دو ابرقدرت "شوروی و آمریکا برقرار شده و یا از هر دو سو در صدد در تلاش برقراری آنند. مغرضین را نمی توان علاج کرد، ولی برای رفع سوء تفاهم از بی غرضان، به نظر می رسد که می توان با سیاستی پارادایم مضمون و خطوط اساسی سیاست همزیستی مسالمت آمیز را، ولو به اختصار، توضیح دهیم.

سیاست همزیستی مسالمت آمیز، سیاست صلح است

سیاست همزیستی مسالمت آمیز و خطوط اساسی آن را اولین تدوین کرد. این سیاستی است که در تمام مدت ۶۳ ساله موجودیت اتحاد شوروی، مبنای اصولی سیاست خارجی این کشور بوده است و در آینده نیز خواهد بود.

پس از جنگ دوم جهانی و پیدایش دیگر کشورهای سوسیالیستی، این سیاست مورد پذیرش و اجرای سایر کشورهای سوسیالیستی نیز قرار گرفت. با تلاشی سیستم مستعمراتی امپریالیسم و با اعتقاد و گسترش جنبش های آزادی بخش و استقلال طلبانه و پیدایش کشورهای مستقل، خطوط عمده این سیاست از سوی کشورهای مستقل در "جهان سوم" نیز پذیرفته و به موقع اجرا گذارده شد. همزیستی مسالمت آمیز اکنون سیاستی است که، در سطح جهانی، دافره "عمل خود را در مقابله با امپریالیسم همواره گسترش میدهد. سیاست همزیستی مسالمت آمیز، سیاستی سازشکارانه، یا سیاستی منفعل و یا "واکنشی" نیست. برعکس، این سیاستی است رزمنده، فعال، پرابکار و جوشان، در جهت مهار کردن سیاست تجاوزگرانه، سلطه جویانه، اسارت گر و غارت گرانه "امپریالیسم".

سیاست همزیستی مسالمت آمیز، قبل از هر چیز سیاست صلح، سیاست جلوگیری از جنگ است. این سیاست مبتنی بر این اندیشه های تئوریک تدوین شده که، اولاً "سرشت امپریالیسم تجاوزگرانه و جنگ طلبانه است، که جنگ تجاوزگرانه به زیان خلقها و زحمتکاران سراسر جهان و فقط به سود انحصارات امپریالیستی است، که با جلوگیری از جنگ های تجاوزی امپریالیستی دامنه جنبش های راهی بخش خلقها بهتر و بیشتر گسترده می شود، که در شرایط صلح، رشد جنبش کارگری و مبارزه خلقها در کشورهای رشد یافته سرمایه داری علیه انحصارات امپریالیستی و حکومت آنها بهتر و بیشتر تامین می شود، که ثانیاً انقلاب به زور و به وسیله جنگ صادر شدنی نیست، که در سایه صلح می توان شکوفایی هر چه سریع تر سوسیالیسم را تامین کرد و برتری آن را بر نظام سرمایه داری رشد یافته، در تمام زمینه ها، در معرض دید همه خلقها قرار داد، که صلح متحد سوسیالیسم در مبارزه علیه امپریالیسم است.

تا اواخر سالهای ۱۹۵۰، که امپریالیسم نسبت به سوسیالیسم نیروی برتر بود، اجرای سیاست همزیستی مسالمت آمیز از سوی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای نوجوان

سوسیالیستی جنبه "تدافعی" داشت، به این معنی که، سیاست همزیستی مسالمت آمیز می کوشید، تا آنجا که ممکن است، از در گرفتن جنگ جلوگیری کند، و تا آنجا که ممکن است، مدت صلح را درازتر نماید. ولی در نیمه دوم سالهای ۵۰، تناسب نیروها، به مقیاس جهانی، به سود صلح و به زیان جنگ تغییر کرد. مطالع عمیق علمی نشان داد که روند تغییر و تناسب نیروها به سود سوسیالیسم و به زیان امپریالیسم هم چنان و با سرعت همواره بیشتر ادامه خواهد یافت، بحران عمومی سرمایه داری شدت روز افزونی خواهد گرفت، دامنه جنبش کارگری و مبارزه زحمت کشان در کشورهای امپریالیستی گسترش بیشتری خواهد یافت، جنبش های آزادی بخش ملی برای رهایی از یوغ امپریالیسم با شتاب همواره بیشتری در "جهان سوم" توسعه خواهد پذیرفت، جنبش صلح - مبارزه عمومی برای جلوگیری از درگرفتن جنگ جهانی، که جنگ هسته ای - موشکی جهان سوزی خواهد بود، در سطح جهان گسترده تر و ریشه دارتر خواهد شد. نتیجه گرفته شد که: اکنون دیگر نه فقط می توان از گسترش جنگ جهانی برای مدتی جلوگیری کرد، بلکه اساساً امکان جلوگیری از جنگ جهانی بوجود آمده است. جنگ جهانی دیگر اجتناب ناپذیر نیست. علی رغم سرشت تجاوزگرانه و سیاست جنگ طلبانه امپریالیسم، امکان حفظ صلح بوجود آمده و می توان و باید این امکان را تحقق بخشید.

بر این مبنای، سیاست همزیستی مسالمت آمیز به مرحله نویسی کامی گزارد و از "تدافعی" به "تعرضی" پرداخت. هدف اساسی سیاست همزیستی مسالمت آمیز تحمیل صلح به امپریالیسم جنگ طلب و جنگ افروز قرار گرفت. "یورش" سیاست تشنج زدائی، "یورش بر" جنگ سرد، "یورش بر" سیاستی که جان فوستر دالس - وزیر امور خارجه آمریکا - آن را تدوین و خودش آن را سیاست "حرکت بر لبه پرتگاه جنگ" توصیف کرده بود، آغاز شد. مواضع جنگ سرد در اروپای غربی شکست برداشت، متحدین در "نااتوهی" آمریکا از شرکت مستقیم در جنگ تجاوزی آمریکا در ویتنام خودداری کردند، کار به آنجا رسید که نیکسون، جنگ طلب هاری که روزی می خواست مردم شوروی را از "بردگی کمونیسم" نجات دهد، به مسکوفت و زیر سندی را امضا کرده که طبق آن، دولت ایالات متحده آمریکا متعهد به رعایت و اجرای اصول همزیستی مسالمت آمیز در مناسبات خود با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی شد؛ پس از یک مبارزه دراز مدت، سرانجام در "کنفرانس هلسینکی"، روسای دولت های ۳۱ کشور اروپایی، به اضافه آمریکا و کانادا، به تاریخ اول اوت ۱۹۷۵ (۱۰ مرداد ۱۳۵۴) زیر "سند نهائی هلسینکی" را امضا کردند و با این امضا متعهد شدند که مناسبات خود را با یکدیگر، بر مبنای اصول مصحح در این سند، که همان اصول همزیستی مسالمت آمیز است، برقرار کنند.

دولت امپریالیستی تجاوزگر آمریکا - مشهور به "ژاندارم بین المللی" (و نیز برخی از متحدان او، نظیر انگلستان و دیگران) زیر این سند را به طیب خاطر امضا نکردند. آنها مجبور به امضا آن شدند. جرالد فورد - رئیس جمهور وقت آمریکا - قبل از حرکت به سوی هلسینکی، نطقی در تلویزیون ایراد کرد. او در این نطق از "مردم آمریکا"

(بخوان: از هارترین محافل جنگ - طلب امپریالیستی) عذر خواهی کرد که مبادرت به انجام چنین سفری می کند و "سند نهائی هلسینکی" را امضا خواهد کرد. "سند نهائی هلسینکی"، مانند آبی که در لانه عقرب ریخته شود، تمام محافل تجاوزگر و تشنج طلب و جنگ افروز امپریالیستی را به جنب و جوش افکند. امپریالیسم، که زمین را زیر پای خود لرزان دید، بسر - کردگی امپریالیسم آمریکا، مجدداً به تلاش افتاد، تا جهان را به دوران "جنگ سرد" بازگرداند. کارتر برای دفع "خطر" همزیستی مسالمت آمیز، هر چه در توان داشت، انجام داد. اقدامات متعددی در جهت تیره ساختن مناسبات با اتحاد شوروی از سوی دولت آمریکا صورت گرفت. مجلس سنای آمریکا تصویب موافقت نامه "سالت ۲" را، که گام دیگری در جهت مهار مسابقه تسلیحاتی در زمینه اسلحه استراتژیک بود، "حلق کرد". و اینک دولت ریگان سیاست تشنج فزائی و تازاندن مسابقه تسلیحاتی و تهدید به جنگ را دنبال می کند.

ولی همه اینها تلاشی است مذبوحانه، تقلای بیهوده ای است که خطرناک است، ولی قدرت بی خطر کردن او وجود دارد. سیاست تشنج فزائی و جنگ افروزی امپریالیستی دیگر، راه دوری نمی تواند برود. برتری نیروی صلح و تفوق سیاست همزیستی مسالمت آمیز برگشت پذیر نیست. امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، "هیچ غلطی نمی تواند بکند".

اصول سیاست همزیستی مسالمت آمیز

عدم توسل به جنگ و به نیروی مسلح و یا تهدید به اعمال قهر مسلح برای تحمیل اراده و یا برای "حل اختلافات" بین دولت ها، حل اختلاف بین دولت ها از طریق مذاکره مبتنی بر حسن نیت، شناخت تمامیت و مصونیت ارضی هر کشور از طرف دیگر کشورها، احترام بی خدشه به حق حاکمیت هر خلق در کشور خود از سوی دیگر دولت ها و عدم دخالت در امور داخلی دیگر کشورها، برقراری مناسبات بین دولت ها بر مبنای حقوق کامل برابر و سود و صرف متقابل - عادلانه - اینها اصول سیاست همزیستی مسالمت آمیز است که در قطب مقابل اصول سیاست امپریالیستی قرار دارند.

توسل به اعمال قهر مسلح و یا تهدید به اعمال آن برای تحمیل اراده بر دیگر کشورها و برقراری سلطه بر آنها، تحریک و تشویق به جنگ به عنوان وسیله حل اختلافات بین دولت ها (حداقل برای ایجاد بازار فروش اسلحه مقید به شروط سیاسی، و از این طریق رهگشائی برای سلطه گری)، مذاکره از موضع زور، نقض تمامیت و مصونیت ارضی هر کشور، در هر زمانی که سلطه جوئی امپریالیسم طلب کند، بی اعتنائی به حق حاکمیت خلقها و مداخله توطئه گرانه در امور داخلی هر کشور، برقراری مناسبات نابرابر و غارتگرانه با دیگر کشورها تا حد تاراج هست و نیست آنها - اینهاست اصول سیاست امپریالیسم که در قطب مقابل سیاست همزیستی مسالمت آمیز قرار دارند.

این دو سیاست، سیاست امپریالیستی و سیاست همزیستی

مسالمت آمیز، در قطب مقابل یکدیگر قرار دارند، هیچ گونه سازشی بین آنها ممکن نیست، با یکدیگر در سطح جهان در نبردند.

حق خلقها در تعیین سرنوشت خود

هر خلقی حق دارد که سرنوشت خود را خود تعیین کند. این حق را سیاست همزیستی مسالمت آمیز به رسمیت می شناسد. امپریالیسم این حق را برای خلقها به رسمیت نمی شناسد. چرا نمی شناسد؟ برای اینکه خلقها هرگز نمی خواهند سرنوشت خود را طوری تعیین کنند که زیر یوغ امپریالیسم باشند، در معرض ستم و غارت فئودال و بزرگ مالک و کلان سرمایه دار باشند. خلقها همیشه می خواهند سرنوشت خود را طوری تعیین کنند که مستقل باشند، آزاد و از حقوق انسانی برخوردار باشند، یک زندگی شایسته انسان داشته باشند. جنبش های خلقی همیشه محتوا و اهداف مترقی داشته اند و دارند. انقلابها همیشه جنبشی به جلو بوده اند و هستند. هیچ خلقی انقلاب نمی کند که مثلاً نظام برده داری را احیاء کند. هدف هیچ انقلاب خلقی، حفظ فئودالیسم، حفظ نظام مستعمراتی، و در شرایط امروزی، حفظ نظام سرمایه داری استعمارگر نیست. همه خلقها می خواهند سرنوشت خود را بر مبنای رفیع ستمگری های سیاسی - اجتماعی - اقتصادی تعیین کنند. امپریالیسم با حق تعیین چنین سرنوشتی از سوی خلقها موافق نیست و نمی تواند موافق باشد. امپریالیسم اسارتگر و چپاولگر است. غارت خلقها منبع حیات و ابقاء اوست. هر زمان و هر کشور، خلقی برای تعیین سرنوشت خود باخیزد، قیام کند، انقلاب کند، امپریالیسم برای سرکوب این جنبش و انقلاب به مداخله دست می زند؛ یا مستقیم ضدانقلاب صادر می کند و یا غیر مستقیم شورش های ضد انقلابی سازمان می دهد، و آنگاه ضد انقلابی، نقاب طرفداری از حق تعیین سرنوشت خلق بر چهره می زند. سیاست همزیستی مسالمت آمیز برعکس، نه فقط حق خلقها را در تعیین سرنوشت خویش، حق آنها را به مبارزه برای رهایی از سلطه امپریالیسم، حق آنها را به قیام علیه ستمگری اجتماعی و اقتصادی خویش به رسمیت می شناسد و محترم می دارد، بلکه در برابر توطئه های امپریالیسم، پاسدار این حق است. سیاست همزیستی مسالمت آمیز مخالف با مداخله در امور داخلی کشورهاست. این مخالفت را در صورت تقاضای خلق رزمنده کشوری که در معرض مداخله قرار گرفته، به صورت کمک به این خلق برای دفع مداخله، دفع صدور ضد انقلاب، سرکوب شورهای ضد انقلابی ساخته امپریالیسم، نشان می دهد. کمک کشورهای سوسیالیستی مورد درخواست به کشورهای خلقی که در گیر نبردی سرنوشت ساز با امپریالیسم تجاوزگر و جهان خوار ساز، نقش سیاست همزیستی مسالمت آمیز نیست، جزئی از آن است.

اجرای سیاست همزیستی مسالمت آمیز در مورد ایران

محتوا و نحوه اجرای سیاست همزیستی مسالمت آمیز نسبت به کشور

خودمان - جمهوری اسلامی ایران - به وضوح می توان دید و آن را با سیاست امپریالیستی سنجد. هنوز قبل از پیروزی انقلاب ایران، آنگاه که برژینسکی و شرکاء قصد سرکوب خونین آن را داشتند، اتحاد شوروی رسماً به آمریکا اخطار کرد که به هیچ بهانه و به هیچ وسیله، مخصوص به وسیله اعمال قهر مسلح حق مداخله در امور ایران را ندارد. پس از پیروزی انقلاب، این اخطار جدی تکرار شد. آنگاه که امپریالیسم بسرکردگی آمریکا، برای شکستن انقلاب ما، تحریم اقتصادی ایران را در شورای امنیت سازمان ملل متحد مطرح کرد، اتحاد شوروی این تحریم اقتصادی را "وتو" کرد. همه اینها، در کنار پشتیبانی معنوی اتحاد شوروی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و افشای توطئه های امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، کمکی است که اتحاد شوروی در سطح بین المللی می توانسته است و می تواند نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران انجام دهد. این کمک نیازی به درخواست نداشته است و ندارد. این اجرای سیاست مسالمت آمیز از یک سو است. از سوی دیگر اتحاد شوروی حق تعیین سرنوشت، حق تعیین نظام سیاسی - اجتماعی - اقتصادی را حق مردم ایران می داند و در آن کمترین مداخله ای نه غیر مستقیم و نه بطریق اولی مستقیم نمی کند، نکرده است و نخواهد کرد. بنا به اصول سیاست همزیستی مسالمت آمیز، مداخله در امور داخلی دیگر کشورها ممنوع است. این هم جنبه دیگری از سیاست همزیستی مسالمت آمیز.

از جانب دیگر اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، که پیرو اصول سیاست همزیستی مسالمت آمیزند، اعلام داشتند که در صورت درخواست جمهوری اسلامی ایران، حاضرند هر گونه کمکی که از دست آنها برمی آید، در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران قرار دهند. این هم جنبه دیگری از سیاست اصلی همزیستی مسالمت آمیز. توسعه حمل و نقل کالا از راه ترانزیتی اتحاد شوروی و افزایش نسبی بازرگانی خارجی با اتحاد شوروی، به همان نسبتی که انجام گرفته اند و مورد درخواست ایران بوده است. این دیگر با دولت جمهوری اسلامی ایران است که در این زمینه و یاد دیگر زمینه ها خواستار گسترش مناسبات با اتحاد شوروی شود. آیا این سخنان ما واقعیت است؟ آنگاه نه پروان خط برژینسکی، که با متسک "خطر" موهوم شوروی می خواهند راه بازگشت "عموم" را هموار کنند (به آنها حرجی نیست)، بلکه انقلابیون راستینی که دچار پیش برداری های ضد شوروی و ضد کمونیستی هستند، به نظر می رسد که باید توجه به این واقعیت ها، در اندیشه خود تجدید نظر کنند، این واقعیت را بشناسند که اتحاد شوروی سیاستی است که همزیستی مسالمت آمیز با کشور ما ندارد، جز استقلال واقعی کشور ما، جز تقویت همه جانبه جمهوری اسلامی ایران را در مبارزه علیه امپریالیسم، نمی خواهد. شناخت این واقعیت و، بر اساس آن، اتخاذ شی سیاسی در جهت گسترش مناسبات با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، که همزیستی مسالمت آمیز اساس سیاست خارجی آنهاست، می توانست بسیاری از دشواری های ما را که امروز کشور ما با آنها روبروست، برطرف کند، و نیز فرداً، به برطرف کردن دشواری های که در جریان رشد کشور پدید خواهند آمد، کمک کند.

شاید افغانستان گره کار است

شاید "مسئله" افغانستان برای انقلابیون مسلمان راستینی که در بقیه در صفحه ۶

کارگران - اسطوره‌های سرنوشت ساز و رهایی بخش از وابستگی‌ها

به مناسبت روز ۱۱ اردیبهشت، روز همبستگی رزمی کارگران و زحمتکشان جهان، امام خمینی رهبر انقلاب، و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران پیامی خطاب به کارگران میهن ما فرستادند. در این پیام امام خمینی، کارگر زحمتکش را "اسطوره سرنوشت ساز و رهایی بخش از وابستگی‌ها" نامیدند و بر این واقعیت تأکید کردند که کارگران بویژه پس از جنگ تحمیلی، با زحمت شانه‌روزی خود انبساط نموده‌اند که قادر به نجات کشور از زنجیر وابستگی-ها هستند.

امام خمینی با تکیه بر این حقیقت که نخستین گام در راه دست یابی به استقلال، قطع وابستگی اقتصادی است، در دیدار با کارگران کارخانه‌های مختلف، کارگران و دهقانان را ستون فقرات استقلال کشور و انقلاب نامیدند و ضمن تجلیل از مجاهدات و مبارزات کارگران در دوران قبل از انقلاب، که اعتصاب‌های دامنه‌دار و سراسری پیروزی انقلاب را تأمین کردند، اظهار امیدواری کردند که با کوشش خود انقلاب را به پیش ببرند.

طبقه کارگر که پیشاهنگ مبارزات خلق برای طرد امپریالیسم و تأمین استقلال میهن خویش است، در عین حال پیگیرترین مبارز تا پایان انقلابی است. طبقه کارگر در مبارزه مرگ‌و‌زندگی با امپریالیسم و دست‌نشاندها آن فقط زنجیرهای خود را از دست می‌دهد و نه فقط این، که با فداکاری و ایثار و شهادت خود، زنجیرهای بردگی را از دست بای میلیون‌ها هم‌زم و هم‌سنگر، که محرومان جامعه‌اند، می‌گشاید.

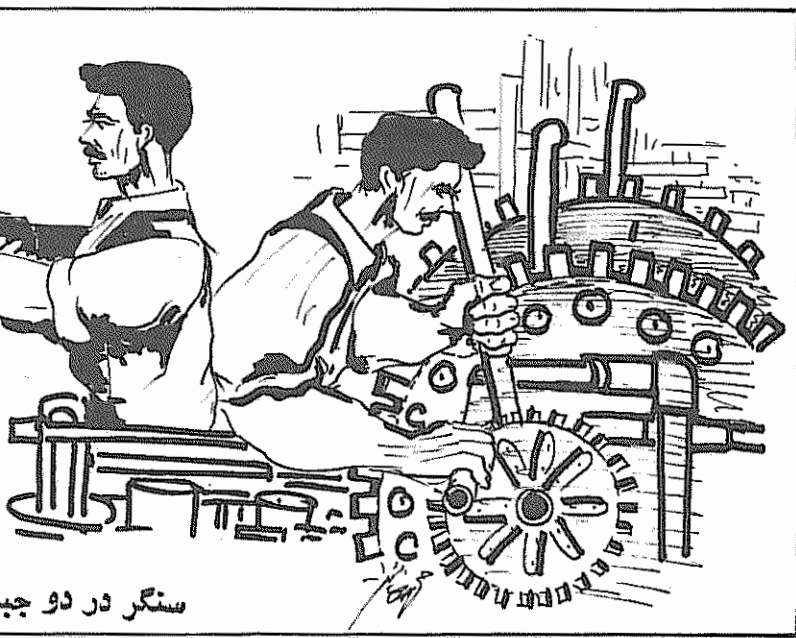
انقلاب ۲۲ بهمن و رویدادهای پس از آن، درجه والای رزم‌جوئی،

ایثار، رشادت، استقامت و تحمل انقلابی طبقه کارگر را نشان داد. اعتصاب‌های دامنه‌دار کارگران، علیرغم وجود ساواک و ارتش شاهنشاهی و گاردی‌ها و کماندو-ها و گوریله‌های وحشی پاسدار سلطنت منفور پهلوی، و مهم‌تر از همه، اعتصاب سراسری کارگران، که تیر خلاص را در مغز نظام شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله نشان داد، بر نقش قاطع طبقه کارگر در پیروزی انقلاب دلالت داشت.

پس از پیروزی، زمانی که کشور به محاصره اقتصادی امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، درآمد، کارگران به پیام امام خمینی، که از آنان می‌خواست بازوی کار خود را در خدمت تولید بیشتر قرار دهند، پاسخ مثبت گفتند و نیرو، استعداد و ابتکار خود را برای قطع وابستگی و تأمین خودکفائی به کار گرفتند.

زمانی که از کارگران خواسته شد که برای تولید بیشتر از حربه اعتصاب استفاده نکنند، کارگران با شم طبقاتی خود، که پیروزی این انقلاب را در راستای پیروزی طبقه خود میدانند، کوشیدند برای حل مشکلات رفاهی و صنفی خود به طریق دیگری متوسل شوند و شیوه-های مذاکره و شور و گفتگو با مسئولان را جایگزین حربه اعتصاب واقعی سازند. این هشیاری انقلابی موجب شده که در انقلاب دربرانگیختن اعتصاب و تخصص و وادار کردن کارگران به کم‌کاری، به منظور نابود ساختن اقتصاد کشور در انفرادماند و نقابش از هم درید. امام خمینی با ستایش از نقش خلاق طبقه کارگر و دهقانان زحمتکش می‌گویند:

"کشاورزان و کارگران اساس استقلال کشور هستند... بی جهت



سنگر در دو جبهه علیه امپریالیسم آمریکا!

نیست که فعالیت گروه‌هایی که به خلاف جمهوری اسلامی هستند و وابسته به اجانب هستند، با این دو قشر بیشتر توجه دارند و این دو قشر را بیشتر می‌خواهند به انحراف بکشانند... بسراداران و خواهران به هوش باشید که خدمت‌های ارزنده شما در راه کشور عزیز اسلامی با دست جنایتکار این گروه‌ها به خدمت آمریکا کشیده نشود.

طبقه کارگر بویژه پس از آغاز جنگ تحمیلی بیش از پیش نشان داد که هرگز به امپریالیسم و دست نشاندها مزدوران اجازه سلطه مجدد بر میهن انقلابی خویش را نخواهد داد. با شروع جنگ تحمیلی، کارگران زن و مرد آستین‌ها را بالا زدند و در جبهه و پشت جبهه

نمونه‌های شهامت و کار و ایثار انقلابی آفریدند. کارگران همراه با دهقانان زحمتکش، کارتدارک جبهه را به دوش گرفتند و ضمن بخشی از این ارتش پرشمار رنج و کار، سلاح برکف در خط مقدم جبهه علیه مزدوران صدام می-جنگ و یا خون خود از استقلال کشور دفاع می‌کنند، بخش دیگر و طبقه کمک به جبهه را از نظر تأمین خوراک و پوشاک تعمیر ابزارهای جنگی و ساخت قطعات یدکی در حدود امکانات و توانائی‌های خود بر دوش گرفته‌است.

طبقه کارگر، علیرغم همه محرومیت‌های فزاینده ناشی از گرانی تورم، فقدان بهداشت و مسکن و حداقل رفاه لازم، در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها همه

نیروی کار و شور انقلابی خود را به میدان آورده و تاندشمن متجاوز را از خاک خود نرانده و جرخ کارخانه‌ها را برمدار تأمین استقلال اقتصادی کشور به گردش در-نیآورد، از پای نخواهد نشست.

طبقه کارگر به راستی اسطوره سرنوشت ساز میهن انقلابی و هموطنان زحمتکش خویش است و نقش قاطع خود را در تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی کشور ایفا خواهد کرد. طبقه کارگر به راستی عامل مهم رهایی کشور از وابستگی-هاست و عزم راسخ دارد که با بازوی توانای خود، تمام زنجیرهای وابستگی به امپریالیسم را درهم شکند و میهن خویش را بسوی مرزهای بهروزی پیش ببرد.

موانع فعالیت آزادانه حزب توده ایران در شهر و استان ورامین را از بین ببرید

ایجاد موانع بر سر راه فعالیت های انقلابی اعضا و هواداران حزب توده ایران به سود ضدانقلاب است. در راه فعالیت آزادانه اعضا و هواداران حزب توده ایران در منطقه ورامین کارشکنی های فراوانی صورت می گیرد.

اعضا و هواداران حزب توده ایران در شهرستان ورامین، مانند تمام توده‌ای‌ها در سراسر ایران، به مناسبت فرارسیدن اول ماه مه، روز جهانی کارگر، به شعارنویسی و چسباندن پلاکاردها و هابی بر دیوارهای شهر پرداختند. مضمون تمامی این شعارها و پلاکاردها را دفاع از انقلاب و زحمتکشان و مستضعفان تشکیل می داد. لیکن رفقای ما در طول فعالیت خود با اشکالات و کارشکنی های فراوان روبرو شدند. از جمله در روز ۱۴ اردیبهشت، توسط فردی که رئیس دبیرستان ۱۵ خرداد ورامین است، مورد ناسزاگویی و هتاکی قرار گرفتند و به کمیته انتقال یافتند. این برخورد روز ۷ اردیبهشت توسط فرد دیگری، که راننده مینی بوس سرویس کارخانه قند این شهر است، تکرار شد و اینبار رفقا تحویل سپاه پاسداران شدند. در هر دو مورد مسئولین کمیته و سپاه برخوردی غیرمسئولانه رفقای ما را بازداشت کردند و تحویل دادگاه انقلاب دادند. خوشبختانه رئیس و مسئولین دادگاه انقلاب با برخوردی درست، منطقی و درخور انقلاب، رفقای ما را آزاد کردند.

ما ضمن ابراز تاسف عمیق از برخورد نادرست و غیرمسئولانه بعضی از مسئولین در نهادهای انقلابی همچون سپاه پاسداران و کمیته انقلاب، که آشکارا علیه اصول مطرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل می کنند و سخنانی علیه قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران بر زبان می رانند، بار دیگر تکرار می کنیم که ایجاد ممانعت در راه فعالیت آزادانه و قانونی حزب توده ایران به سود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نیست.

ما همچنین از رفتار منطقی، مسئولانه و درخور انقلاب مسئولین دادگاه انقلاب تقدیر می کنیم.

ما از مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران مصری خواهیم که از ایجاد هرگونه مانعتی در راه فعالیت آزادانه اعضا و هواداران حزب توده ایران در تمام نقاط کشور و منجمله در شهرستان ورامین و اطراف آن جلوگیری کنند.

عوامل فئودالها در جاده‌های سیستان و بلوچستان ناامنی بوجود آورده‌اند

عوامل فئودالها و خان‌ها در سیستان و بلوچستان با حمله به خودرو-هایی که از جاده‌های این منطقه به خصوص "نوک آباد" و اطراف ایرانشهر عبور می-کنند، جو ناامنی در منطقه بوجود آورده‌اند.

بالیکنه اکنون کلیه خودروها در جاده‌های این منطقه توسط مامورین پاسگاه زاندارمری گروها با کنترل می شود و هر دو ساعت یکبار بوسیله ماموران مسلح زاندارمری تا ناحیه "بزمان" اسکورت می شوند لیکن هنوز امکان حمله عوامل ضدانقلاب در این ناحیه وجود دارد. زیرا که اولاً زاندارم-های مسئول اسکورت، که در جاده بم-ایرانشهر کار می کنند، فاقد دستگاه های بی سیم مخابراتی هستند، و ثانیاً در فاصله راهی که خودروها در آن اسکورت می شوند و طول آن ۱۰۰ کیلومتر است، اشرار می توانند به خودروها حمله کنند و بدون اینکه ماموران مستقر در دو قسمت جاده، یعنی در "اداره بیمه مسجد یا ابوالفضل و نیز در "بزمان" اطلاع

یابد کنند، دست به جنایت و دزدی بزنند. همچنین عوامل ضدانقلاب وابسته به خوانین در فاصله ایرانشهر به چاه-بهار نیز با اقدامات خود ناامنی زیادی بوجود آورده‌اند. اکنون ارتفاعات این راه، که حداقل ۲۵ کیلومتر طول دارد، توسط افراد لشکر ۸ زرهی زاهدان و زاندارمری ایرانشهر، در هنگام عبور کاروان خودروها، محافظت می شود. عبور از این جاده روزانه فقط یکبار انجام می گیرد. ماموران زاندارمری و افراد ارتش جمهوری اسلامی ایران تاکنون نتوانسته‌اند این راه را بخوبی محافظت کنند.

ما از مقامات مسئول استان می-خواهیم که با مبارزه قاطع با عوامل مسلح فئودالها و خان‌های این منطقه، از عملیات آشوبگرانه آنان، که به ایجاد ناامنی در سطح استان می انجامد و زمینه مناسبی را برای فعالیت های توطئه-گرانه دیگر عوامل ضدانقلاب ایجاد می کند، جلوگیری کنند.

ما از مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران خواهیم که از ایجاد هرگونه مانعتی در راه فعالیت آزادانه اعضا و هواداران حزب توده ایران در تمام نقاط کشور و منجمله در شهرستان ورامین و اطراف آن جلوگیری کنند.

نمایشگاه سالروز جمهوری اسلامی ایران در شیراز

به مناسبت سالروز جمهوری اسلامی ایران، ۱۲ فروردین، نمایشگاه‌های عکسی با نام «استاورد» های انقلاب، که از میان آتش و خون بدست آمده، از سوی سازمان حزب توده ایران در شیراز، در این شهر برپا شد.

در این نمایشگاهها، که با عکس‌هایی از امام خمینی رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران آذین شده بودند، دستاوردهای انقلاب با طرح، عکس و ارقام به نمایش گذاشته شده بود.

حزب توده ایران (نامه مردم) در شیراز در گزارشی در این مورد می-نویسد:

«نمایشگاه عکس در نقاط زحمتکش‌ترین شهر و همچنین در نقاط مختلف دیگر شهر، مانند خیابان قالی، فلکه شاه چراغ و دروازه اصفهان و... به نمایش گذاشته شده بود. این نمایشگاه به مدت ۳ هفته از تاریخ ۵ فروردین ۶۰ برپا شد و در تمام طول برای آن مورد استقبال مردم زحمتکش شیراز قرار گرفت.»

طبقه کارگر ایران، در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است!

خواست اصلی کشاورزان گرمسار، اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی است

نماینده دولتی پس از تصویب و شروع اجرای طرح خان‌ها و فئودال‌ها و حامیان آنها به دست‌وپا افتاده و فریاد و اسلاما سر دادند و در راه انجام این طرح و کار برادران هیئت‌های هفت‌نفره اشکالات و موانع ایجاد نمودند. ما کشاورزان گرمسار ضمن اعلام حمایت مجدد خود از انقلاب اسلامی و رهبر کبیر آن امام خمینی و اعلام آمادگی جهت هر گونه فداکاری و جانبازی در راه اهداف انقلاب اسلامی و مبارزه با دشمنان انقلاب خصوصا "شیطان بزرگ" آمریکا جنایتکار و رژیم کافر عراق از مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان خواستار آن هستیم که باتوجه به جو روستاها و ایجاد زمین‌های ناراضیتی و نفوذ ضدانقلاب در روستاها موجبات اجرای سریع این طرح را که به تأیید آیت‌الله منتظری خلاف شرع نیست فراهم آورند. مسلمانا کشاورزان و مسلمانان و از بند رسته اجازه نخواهیم داد تا دومرتبه خان‌ها و فئودال‌ها حاکم بر سرنوشت و زندگیمان گردد.

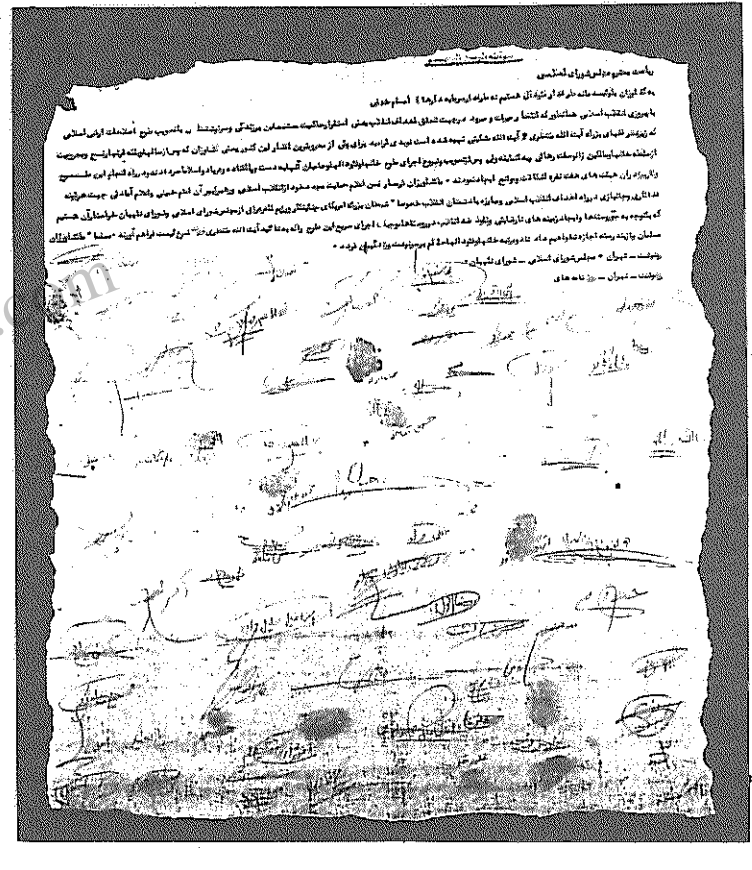
رونوشت - تهران - مجلس شورای اسلامی - شورای نگهبان -
رونوشت - تهران - روزنامه‌های کثیر-الانتشار

کشاورزان گرمسار (در استان سمنان) نامه‌ای به ریاست مجلس شورای اسلامی نوشته‌اند و ضمن اشاره به توطئه‌های بزرگ مالکان و اربابان، خواستار اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی شده‌اند.

این نامه، که به امضاء گروهی از دهقانان تأکید شده است، شرح زیر بیانگر مهم‌ترین مشکل فعلی دهقانان گرمسار است:

بسم الله الرحمن الرحيم
ریاست محترم مجلس شورای اسلامی
به کشاورزان بگوئید ما نه طرفدار فئودال هستیم نه طرفدار سرمایه‌دارها (امام خمینی)

پاپیروزی انقلاب اسلامی همانطور که انتظار میرفت و می‌رود در جهت تحقق اهداف انقلاب یعنی استقرار حاکمیت مستضعفین بر زندگی و سرنوشتشان با تصویب طرح اصلاحات ارضی اسلامی که زیر نظر فقهای بزرگ آیت‌الله منتظری و آیت‌الله مشکینی تهیه شده است نویدی گردید برای یکی از محروم‌ترین اقشار این کشور یعنی کشاورزان که پس از سال‌ها و بلکه قرن‌ها رنج و محرومیت از سلطه خان‌ها و مالکین زالوصفت رهائی پیدا



با واگذاری اراضی صادره شده فئودال طاغوتی در «تل مویزی» برشورد دهقانان تهیاست در بالا بردن تولیدیافتد!



زنان و دختران و کودکان روستای تل مویزی، که سالیان سال در محرومیت و فقر بسر برده‌اند، در دوران انقلاب بزرگان می‌خواهند که با واگذاری زمین به سرپرستانشان، روی رفاه و برخورداری از نعمت‌های زندگی را ببینند.

در روستای "تل مویزی" با اینکه اراضی مرغوب و حاصلخیز فئودال طاغوتی صادر گردیده‌اند، لیکن هنوز به صاحبان اصلی آن، یعنی دهقانان تهی-دست داده نشده‌اند.

روستای تل مویزی در ۵۰ کیلومتری کجساران قرار دارد (تعداد ۳۵ خانوار ساکن) فئودال سابق این روستا، که بر طبق حکم دادگاه انقلاب اسلامی اهواز اعدام شد، در زمان رژیم گذشته اراضی مرغوب را، که حدود ۹ خیش بود (هر خیش معادل ۶ هکتار است) غصب کرده بود. بدین جهت اهالی به اجبار برای امرار معاش به کشت زمینهای نامرغوب و سنگلاخی در فاصله ۵ کیلومتری، که قبلا بایر بودند، پرداختند. در حال حاضر با اینکه ۲ سال از انقلاب میگذرد و اموال و دارایی زمینهای فئودال معدوم صادره شده‌اند، لیکن متأسفانه هنوز به خواست اهالی در مورد واگذاری این زمین‌ها به صاحبان اصلی آنها پاسخ داده نشده و فعلا توسط جهاد سازندگی کشت میشوند.

باتوجه به اینکه "اراضی آباد شده توسط افراد یا شرکت‌ها که دادگاه صالح اسلامی به استرداد آنها حکم داده است" مشمول بند "ب" قانون اصلاحات ارضی هستند، لذا لازمست که هر چه زودتر به دهقانان مستحق واگذار گردند. واگذاری قانونی اراضی به دهقانان موجب افزایش شور آنان در بالا بردن تولید میگردد. ضمناً چون زمین کم است باید به سایر کدخدان زمین‌ها توجه جدی

معطوف شود. همچنین با توجه به مرغوب بودن زمین و ذخیره غنی آب-های زیرزمینی، میتوان در این زمین-ها چاه‌های عمیق حفر کرد و با تشکیل یک تعاونی تولید در عمل تعداد ۲۰ خانوار بدون زمین روستار نیز در آن شرکت داد و مطابق برنامه ریزی صحیح میزان تولید را بالا برد و زمین‌های تازه-ایرا بزرگشت برد.

در روستای تل مویزی اداره بهداشتی، در بهمن سال گذشته، عملیات حفاری چاه آب آشامیدنی را بپایان رسانده و قرار است، که بعد از رسیدن لوله عملیات لوله‌کشی و منبع آب به پایان رسد. از دیگر خواست‌های روستائیان، نوسازی روستا و نیز شن-ریزی ۲ کیلومتر جاده ارتباطی با مرکز بخش است.

نکته دیگر اینکه، روستائیان زحمتکش تل مویزی همانند سایر زحمتکشان کشورمان، بدرستی جنگ تجاوزه-کارانه صدام به ایران انقلابی را جزئی از توطئه امپریالیسم آمریکا می‌دانند.



راه پیمائی عشایر بختیاری در قم به حمایت از اجرای بند «ج» عده‌ای از عشایر بختیاری روز ۲۱ فروردین ۶۰، ضمن یک راهپیمائی، با لباس‌های متحدالشکل محلی، در خیابان‌های قم، خواستار اجرای بند «ج» شدند. آنها پلاکاردهائی در دست داشتند و مظهر تازه‌ای از حق-طلبی و حمایت از برنامه انقلابی دولت را به نمایش گذاشتند.

ما نیز از مقامات مسئول بار دیگر مصرانه می‌طلبیم که هر چه زودتر با اقدامات عاجل و سریع به این خواست زحمتکشان ایران پاسخ مثبت دهند، و همانطور که نوید داده شده است، مجلس و دولت مشترکا در این زمینه اقدام کنند و هر چه زودتر دستور العمل اجرای بند "ج" و بند "د" مربوط به اراضی بایرو دایر بزرگ مالکان صادر گردد.

عده‌ای از عشایر بختیاری روز ۲۱ فروردین ۶۰، ضمن یک راهپیمائی، با لباس‌های متحدالشکل محلی، در خیابان‌های قم، خواستار اجرای بند "ج" شدند. آنها پلاکاردهائی در دست داشتند و مظهر تازه‌ای از حق-طلبی و حمایت از برنامه انقلابی دولت را به نمایش گذاشتند.

ما نیز از مقامات مسئول بار دیگر مصرانه می‌طلبیم که هر چه زودتر با اقدامات عاجل و سریع به این خواست زحمتکشان ایران پاسخ مثبت دهند، و همانطور که نوید داده شده است، مجلس و دولت مشترکا در این زمینه اقدام کنند و هر چه زودتر دستور العمل اجرای بند "ج" و بند "د" مربوط به اراضی بایرو دایر بزرگ مالکان صادر گردد.

راه پیمائی عشایر بختیاری در قم به حمایت از اجرای بند «ج»

عده‌ای از عشایر بختیاری روز ۲۱ فروردین ۶۰، ضمن یک راهپیمائی، با لباس‌های متحدالشکل محلی، در خیابان‌های قم، خواستار اجرای بند "ج" شدند. آنها پلاکاردهائی در دست داشتند و مظهر تازه‌ای از حق-طلبی و حمایت از برنامه انقلابی دولت را به نمایش گذاشتند.

ما نیز از مقامات مسئول بار دیگر مصرانه می‌طلبیم که هر چه زودتر با اقدامات عاجل و سریع به این خواست زحمتکشان ایران پاسخ مثبت دهند، و همانطور که نوید داده شده است، مجلس و دولت مشترکا در این زمینه اقدام کنند و هر چه زودتر دستور العمل اجرای بند "ج" و بند "د" مربوط به اراضی بایرو دایر بزرگ مالکان صادر گردد.

نظر سه مقام مذهبی درباره شرعی بودن قانون اصلاحات ارضی

حجت‌الاسلام فاضل هرنندی، حاکم شرع و دبیر هیئت‌های واگذاری زمین: "امام رسماً به آیت‌الله منتظری، آیت‌الله مشکینی و آیت‌الله بهشتی دستور دادند که قانون واگذاری زمین را مورد بررسی قرار دهند و چنانچه با اصول اسلام منطبق بود، به اجراء آورند، که آقایان بهشتی، منتظری و مشکینی، این طرح را بررسی و مورد تأیید قرار دادند..."

اگر نظر خود رهبر انقلاب و یا کسانی که اهل نظر هستند، شرط اسلامی بودن طرح باشد، که می‌بینیم آنها نظر خود را اعلام کرده‌اند و این قانون در حقیقت اسلام فاضل هرنندی، حاکم شرع و دبیر هیئت‌های واگذاری زمین: "امام رسماً به آیت‌الله منتظری، آیت‌الله مشکینی و آیت‌الله بهشتی دستور دادند که قانون واگذاری زمین را مورد بررسی قرار دهند و چنانچه با اصول اسلام منطبق بود، به اجراء آورند، که آقایان بهشتی، منتظری و مشکینی، این طرح را بررسی و مورد تأیید قرار دادند..."

اگر نظر خود رهبر انقلاب و یا کسانی که اهل نظر هستند، شرط اسلامی بودن طرح باشد، که می‌بینیم آنها نظر خود را اعلام کرده‌اند و این قانون در حقیقت

آیت‌الله منتظری: جامعه ما نیازمند به یک انقلاب اقتصادی است. تمام نهادها و ضوابط و روابط فاسد سرمایه‌داری و استثمار را باید از بین برد.

«شورای ملی فلسطین» را بشناسیم

بعد از اجلاس دمشق نیز کماتان این مقام را در دست خواهد داشت.

وظائف «شورای ملی فلسطین» را در فاصله اجلاس‌های آن، شورای مرکزی سازمان آزادی بخش فلسطین ایفا میکند

این نهاد از ۴۱ نفر، یعنی صدر «شورای ملی فلسطین» (که در عین حال ریاست

«شورای مرکزی» را بر عهده دارد)، صدر و اعضای «کمیته اجرایی» و نمایندگان

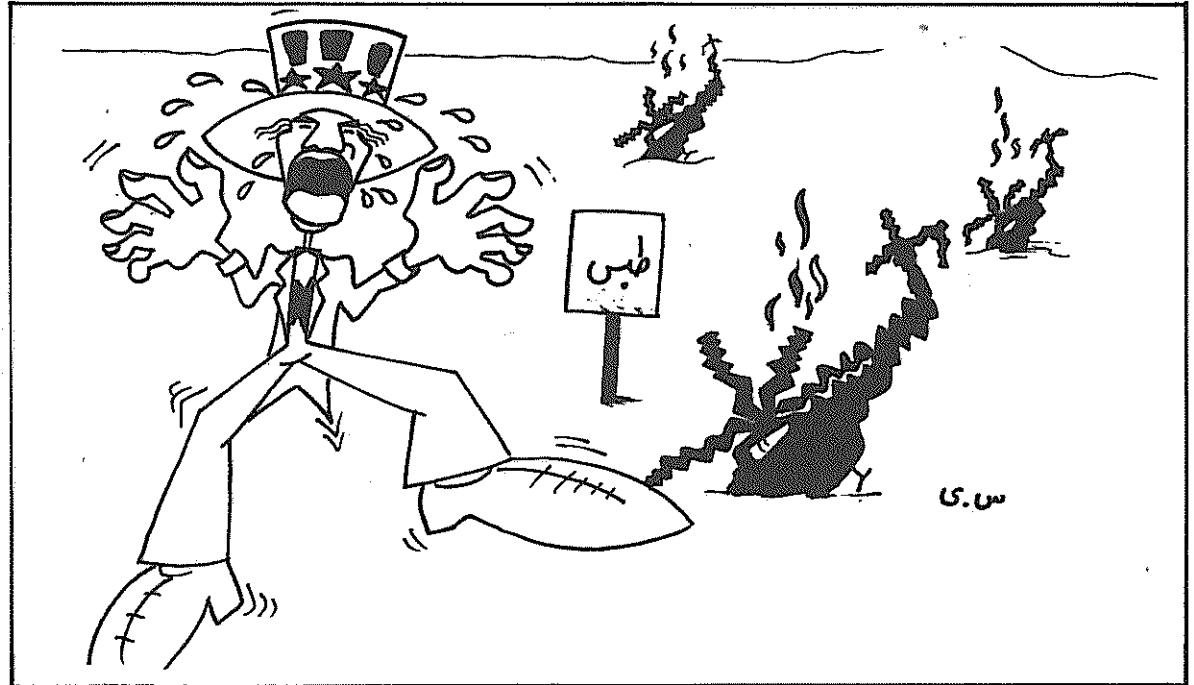
سازمان‌های جداگانه و «جبهه ملی فلسطین در مناطق اشغالی» تشکیل میشود.

۳۵۱ عضو، مرکب از نمایندگان سازمان‌های معروف جنبش مقاومت فلسطین، سازمان‌های توده‌ای، اتحادیه‌های حرفه‌ای و «جبهه ملی فلسطین در مناطق اشغالی» و شخصیت‌های مستقل تشکیل می‌گردد. از جمله دیگر وظایف «شورای ملی فلسطین» عبارتست از: انتخاب «کمیته اجرایی» و صدر «صندوق ملی فلسطین» (خزانة دار «سازمان آزادی بخش فلسطین»).

یاسر عرفات، که ۲۲ سال پیش در پنجمین اجلاس «شورای ملی فلسطین» به سمت صدر «کمیته اجرایی» سازمان آزادی بخش فلسطین انتخاب شد،

چنانکه به موقع خود خبر دادیم چندی پیش پانزدهمین اجلاس «شورای ملی فلسطین» در دمشق، پایتخت سوریه، برگزار شد. «شورای ملی فلسطین»، بعنوان پارلمان خلق عرب فلسطین، بالاترین نهاد «سازمان آزادی بخش فلسطین» به شمار میرود و درباره مسائل بنیادی سیاست این سازمان تصمیم می‌گیرد.

بر پایه اساس نامه «سازمان آزادی بخش فلسطین»، اجلاس «شورای ملی فلسطین» هر ساله یکبار برگزار می‌شود. «شورای ملی فلسطین» اکنون از



امریالیسم آمریکا خواهد بود؟ آیا تردید هست که در آن صورت افغانستان به یک کانون ضد انقلابی، بویژه علیه جمهوری اسلامی ایران بدل خواهد شد؟ آری، در صورتی که توطئه «امریالیستی» موفق شود، افغانستانی که امروز دست دوستی بسوی جمهوری اسلامی ایران دراز می‌کند، بدل به افغانستانی خواهد شد که مانند رژیم «اسلامی» پاکستان، رژیم «اسلامی» عراق، رژیم «اسلامی» عربستان، عمان، مصر، اردن و مراکش و دیگر رژیم‌های «اسلام آمریکایی»، دشمن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

نه، «مسئله» افغانستان نمی‌تواند و نباید گرهی در کار شناخت مضمون، مبنای و اهداف سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز، سیاست خارجی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای پیرو این سیاست باشد. همانطور که کمک نظامی الجزایر به پلیساریسو، کمک نظامی لیبی به چاد، کمک نظامی سوریه به لبنان و به جنبش آزادی بخش فلسطین، تجاوز و اشغال‌گری نیست، کمک نظامی شوروی نیز به افغانستان انقلابی، به رژیم ضد-امریالیستی و مردمی افغانستان، اشغال‌گری و تجاوزگری نیست، کمک و همبستگی انقلابی و انترناسیونالیستی است.

گره کار، پیشداوری‌های ناشی از تبلیغات دراز مدت امریالیستی ضد کمونیستی و ضد شوروی است، که مانع از شناخت واقعیت اتحاد شوروی سیاست این کشور و دیگر کشورهای سوسیالیستی و حتی دیگر کشورهای غیر سوسیالیستی است، که اصول همزیستی مسالمت‌آمیز را اساس سیاست خارجی خود قرار داده‌اند، مانع از شناخت جبهه جهانی ضد-امریالیستی و اعضای و گردان‌های این جبهه است، مانع از این است که ما بعنوان کشوری با رژیم ضد-امریالیستی و مردمی، دست‌بند دیگر اعضا و گردان‌های این جبهه، بر امریالیسم به سرکردگی آمریکا - دشمن مشترک همه خلق‌ها - آسان‌تر غلبه کنیم، بر توطئه‌ها، دشواری‌ها، کمبودها آسان‌تر فائق آئیم، با کام-های بلندتر به سوی پیروزی قطعی و نهائی گام برداریم.

این گره را باید گشود.

سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز،

مصادر مسئول جمهوری اسلامی ایران قرار دارند، گره کار شناخت این واقعیت است. ولی مگر امروز دیگر بقدر کافی روشن نشده است که امریالیست‌های آمریکایی و انگلیسی، چین مائوئیست، رژیم‌های دست-نشانده پاکستان، مصر، اسرائیل، عربستان، عمان و دیگر نیروهای ارتجاعی منطقه‌اند که علیه افغانستان «اتحاد مقدس» تشکیل داده‌اند؟ مگر امروز دیگر بقدر کافی آشکار نشده است که روسای هر ۵ سازمان عمده «مبارزان» و «مجاهدان» افغانی، که علیه دولت افغانستان می‌جنگند، عمال امریالیسم آمریکا هستند، با «سیا» سروکار دارند، بوسیله آمریکا و متحدان و دست‌نشاندهانش مسلح می‌شوند؟ درست است که ایپان بنام اسلام با دولت افغانستان می‌جنگند، چون خلق افغانستان معتقد به اسلام است، ولی مگر امروز دیگر بقدر کافی روشن نیست که آن «اسلامی» که آمریکا و متحدان و دست‌نشاندهانش از آن پشتیبانی می‌کنند، «اسلام آمریکایی» است؟ مگر روشن نیست که این «اسلام» طرفدار فئودالیسم، طرفدار سرمایه‌داری وابسته، طرفدار سلطه امریالیسم، به سرکردگی آمریکا است؟ مگر بقدر کافی معلوم نیست که «مسلمانان دوا تشه‌ای» نظیر سادات‌ها، ضیاء الحق‌ها، ملک خالدها، ملک حسین‌ها، ملک حسن‌ها سلطان قابوس‌ها و از این قبیل مسلمانان قلابی، عمال و کارگزاران واقعی امریالیسم، به سرکردگی آمریکا، هستند؟ مگر ما خودمان «اسلام آمریکایی» نداریم و به چشم خود نمی‌بینیم که این «اسلام آمریکایی» سر سازگاری با اسلام راستین انقلابی یا انقلاب ضد امریالیستی و مردمی و جمهوری اسلامی ایران ندارد؟ همین صدام جانی مگر به نام «اسلام» بر ما تهاجم نظامی نکرده است؟

واقعیت اینست که علیه افغانستان می‌جنگد و در افغانستان انقلابی‌ها از سلطه

واقعیت اینست که علیه افغانستان می‌جنگد و در افغانستان انقلابی‌ها از سلطه

واقعیت اینست که علیه افغانستان می‌جنگد و در افغانستان انقلابی‌ها از سلطه

واقعیت اینست که علیه افغانستان می‌جنگد و در افغانستان انقلابی‌ها از سلطه

از گزارش هیئت سیاسی به هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران: ترکیب حاکمیت در مرحله نوین: از لحاظ پایگاه طبقاتی

در زمینه غارتگری بزرگ مالکان و سرمایه‌داران عمل می‌کند، در این حاکمیت کم شده نقش موثر فلج‌کننده خود را تا حدی از دست داده است.

در نهادهای انقلابی، یعنی دادگاه‌های انقلاب، کمیته‌های انقلابی و سپاه پاسداران، این تقسیم قدرت باز هم بیشتر به سود نمایندگان وابستگان به جناح مردمی است. البته این به آن معنا نیست که وابستگان به سرمایه‌داری لیبرال، بزرگ مالکان و حتی عناصر وابسته به ضد انقلاب سازمان یافته در این نهادها، ریشه‌کن شده و حضور ندارند. برعکس و با کمال تأسف باید این واقعیت را که امام خمینی بارها یادآور شده‌اند، پذیرفت که این عناصر ضد انقلابی و سازشکار در همه این نهادها نفوذ کرده و با ماسک ریا و تزویر، با تظاهر به افراطی‌گری مذهبی، ستیز با هرگونه خواست به حق توده‌ها و هرگونه افکار آزادمنشانه مترقی و پیشرو، در جهت ایجاد ناراضی‌گری در میان مردم و تحریک تشنج و بی‌ثباتی عمل می‌کنند.

وظیفه نیروهای راستین انقلاب، این است که با تمام نیرو از گرایش‌های ضد امریالیستی، مردمی و آزادی خواهانه نیروهای موثر در حاکمیت کنونی پشتیبانی کنند، سمت‌گیری‌های محافظه‌کارانه، واپس‌گرایانه را افشا کنند و نیروهای راستین انقلاب را از زیان‌های جبران‌ناپذیر این گرایش‌ها برحذر دارند.

عناصر حاکمیت کنونی کشور به طور عمده عبارتند از: نهادهای قانونی شامل مقام رهبری، رئیس‌جمهور، مجلس شورای اسلامی، شورای عالی قضایی، دولت، شورای نگهبان قانون اساسی، سپاه پاسداران و نهادهای انقلابی یعنی دادگاه‌های انقلاب، کمیته‌های انقلاب، جبهه سازندگی، بنیاد مستضعفان و غیره. ترکیب طبقاتی این نهادها به طور عمده مخلوطی است از طیف وابستگان و نمایندگان اقشار گوناگون مردمی تا نمایندگان بورژوازی لیبرال. ولی تفاوت کیفی ترکیب حاکمیت کنونی با ترکیب دوران پیش از انتخاب نهادهای قانونی، در وزن مخصوص جناح‌های مختلف این طیف در حاکمیت است. اگر در دوران دولت موقت و فعالیت شورای انقلاب و دولت پیش از دولت کنونی، نمایندگان بورژوازی لیبرال وزنه سنگینی را در حاکمیت دولتی تشکیل می‌دادند. در حاکمیت کنونی این وزنه به میزان قابل توجهی سبک‌تر شده است. ترکیب اکثریت مجلس و ترکیب دولت کنونی بیانگر آن است که وزنه نمایندگان اقشار گوناگون مردمی در حاکمیت قانونی سنگین شده است. سمت‌گیری اقدامات این حاکمیت هم، در همه زمینه‌ها یعنی هم در سیاست داخلی، هم در سیاست اقتصادی و هم در سیاست خارجی بیانگر این واقعیت است که وزنه سرمایه‌داری لیبرال که با تمام نیروی خود در جهت سازش با امریالیسم آمریکا، مخالفت با هرگونه محدودیت

ساکتین «کوی شاهین» تهران را از شر به اصطلاح مبارزین افغانی نجات دهید

مشکل آوارگان به اصطلاح مبارز افغانی هر روز ابعاد وسیعتری بخود می‌گیرد. ضد انقلابیون افغانی در گوشه و کنار مین مان پراکنده شده‌اند و هر روز مسئله جدیدی می‌آفرینند. کوی شاهین تهران، که در نزدیکی آرایش شهر قرارداد، گوامه تازمای برای مدعاست. حضور عده‌ای افغانی و دزدبانی که مرتباً در این محله صورت می‌گیرد، باعث ناراحتی و نگرانی شدید ساکتین آن شده است. روزی نیست که اعمال افغانی‌ها در گوشه و کنار این منطقه مورد اعتراض مردم قرار نگیرد. حتی چندبار هم بین افغانی‌های این محل و کارگران ایرانی ساکتین کوی شاهین درگیری و کتک کاری پیش آمده، که یکبار منجر به خرد شدن تمام شیشه‌های نانوائی محل شده است. در ارتباط با دزدبانی که در کوی شاهین صورت گرفته، تاکنون چندین نفر از این افغانیها دستگیر شده‌اند. مطلبی که جلب توجه می‌کند، حضور فردی است به نام «بسم‌الله‌خان»، که خود را افسر فراری ارتش افغانستان معرفی می‌کند. این شخص که در سوپرمارکتی در همین محل کار می‌کند، رهبری افغانیهای کوی شاهین را بر عهده دارد و افغانیهای محلات دیگر نیز به دیدن او می‌آیند. تجربه نشان میدهد که این دیدارها برای کمک به انقلاب ایران صورت نمی‌گیرد! «بسم‌الله‌خان» عکس رهبران احزاب آمریکایی - افغانی را نیز تکثیر کرده و به در و دیوار محل چسبانده است. او مدتی ناپدید شده بود، که بگفته خودش به افغانستان رفته بود. ماضن جلب توجه مقامات مسئول به این مساله، یاردیگر یادآور می‌شویم که باید یکبار و برای همیشه انقلاب ایران را از شر ضد انقلابیون افغانی رهائی بخشید.

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

دولت باید دست‌محرکین و واسطه‌ها را کوتاه کند

یکی از نمایندگان خواستار اجرای اصول ۴۴ و ۴۹ قانون اساسی شد.

طرح تشکیل «بنیاد امور جنگ‌زدگان» به تصویب رسید.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حاج‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، یکی از نمایندگان خواستار حل بنیادی مسأله مسکن و اجرای اصول ۴۴ و ۴۹ قانون اساسی شد.

نخستین ناطق پیش از دستور جلسه دیروز، خانم طالقانی، نماینده تهران بود که ضمن سخنانی شایعه مربوط به طرح لایحه‌ای در مورد حجاب را تکذیب کرد. وی سپس بر ضرورت عدم وابستگی کشور تأکید کرد و گفت:

«(کشور) باید بتدریج با برنامه ریزی از وابستگی رها شود. در صورتیکه در گوشه و کنار چیزهایی شنیده می‌شود که برای آینده ایجاد نگرانی می‌کند، ناطق آنگاه خواستار حل بنیادی مسأله مسکن شد و از دولت خواست که با سرعت بیشتری در جهت حل آن اقدام کند.»

خانم طالقانی گفت: «از دولت خواهان اجرای اصل ۴۴ و ۴۹ قانون اساسی هستم که بایستی پس از تصویب قانون اساسی اجرا می‌گردد. اصل ۴۹ باید هرچه زودتر توسط هیئت صالح‌های اجرا شود.»

وی در ادامه سخنان خود از دولت بدلیل عدم ارائه برنامه جهت حل مشکل بیکاری انتقاد کرد و هشدار داد: «چنانچه این مشکل رفع نشود، وابستگی ما روزافزون خواهد بود.»

اعظم طالقانی با اشاره به مسأله گرانی از دولت خواست که دست‌محرکین و واسطه‌ها را از زندگی این ملت کوتاه کند. و افزود: «ما مواد لازم را نداریم، این ملت تحمل نمی‌کند، ولی اکنون اکثر کالاها را داریم و در دست‌یک‌عمده‌ای خاص قرارداد، باید چاره‌ای اندیشیده شود و نیازهای طبیعی و واقعی مردم از دست این عده خارج شود.»

وی آنگاه ضمن اشاره به مشکل کمبود پزشک زن، از وزارت علوم و آموزش عالی خواست که تسهیلاتی جهت ادامه تحصیل زنان در رشته پزشکی ایجاد کند. اعظم طالقانی در پایان سخنان خود به حمله به دجانیان اصفهان اعتراض کرد و خواهان دستگیری حمله‌کنندگان شد.

دومین ناطق پیش از دستور، علیتی

تقوی، نماینده قائنات، بود که درباره سبیل اخیر خراسان توضیحاتی داد و خواستار رسیدگی به آن شد.

سومین ناطق پیش از دستور، اسدالله عالی‌پور، نماینده ایلام، در سخنانش از جمله تأکید کرد که سرمایه‌داران و فئودالها و افراد صدمه‌دیده و طاغوفی نه در جریان انقلاب شرکت داشتند و نه در جنگ تحمیلی اخیر. وی همچنین ضمن اشاره به مسأله کردستان گفت:

«ما باید عللی را که ضد انقلاب از آن استفاده کرده، تا در کردستان عزیز و بلوچستان و دیگر جاها توطئه نماید و در آنجا برای اغتشاش و شورش میدان بیاید، بررسی کنیم و با درمان زخم‌هایی که مردم در طول تاریخ بر بدنهای نحیف خود از بی‌عدالتی‌ها و ظلم و جور و خفقان و سلب آزادیها تحمل کرده‌اند، راه نفوذ دشمن را در میان این برادران مسلمان و علاقمند به وحدت مسدود کنیم، به آنان و به همه مردم استانها اعتبار ببخشیم و از رشد شخصیتشان جلوگیری نکنیم و آنان را در اداره امور مملکت و کارهای اجرایی دخالت دهیم.»

آخرین ناطق پیش از دستور، لطیف صغری، نماینده اسلام‌آباد غرب، بود. وی ضمن سخنانی از رادیو و تلویزیون انتقاد کرد و پرسید:

«چرا رادیو و تلویزیون رسالتش را انجام نمی‌دهد که اینهمه (مردم) به منابع خبری بیگانه گوش می‌دهند.»

وی درباره وضع زندگی مردم گفت: «با اینکه ۹۰ درصد مردم از حداقل امکانات رفاهی محرومند، انبوه‌بیکاران در هر گوشه‌ای مشهود است، گرانی پیدا می‌کند، فقر اقتصادی و محرومیت آنها حاجت به بیان ندارد. چون خود را سهم و شریک انقلاب می‌دانند، تا امروز با علو طبق و همت والای خود دندان بر گلو گذاشته‌اند. ولی متأسفانه با اینهمه خوبی، بجای چاره‌جویی برای رفع محرومیتها و احقاق حقوق مشروع مردم، برخورد مسئولین چنان بوده است که نتیجه‌ای جز دفع نیروها و هرزرفتن آن‌ها نداشته است.»

ناطق از دولت خواست که برای اداره امور نواحی مختلف کشور از افراد متمرد محلی استفاده شود و گفت:

«این دور از انصاف است که باور کنیم در آستانی با ۱۵ میلیون نفر و آنهمه افراد تحصیل‌کرده، یک نفر متمرد و معتقد و مقبول پیدا نشود که استاندار یا فرماندار یا حتی بخشدار شود و هم‌اش

از جاهای دیگر بفرستند.» آنگاه حاج‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تذکراتی درباره کار مجلس و همچنین سبیل اخیر خراسان داد.

سپس مجلس وارد دستور شد و بررسی طرح «بنیاد امور جنگ‌زدگان» که در جلسات قبلی مطرح بود، ادامه یافت. پس از بررسی پیشنهادهای نمایندگان و اصلاح مواد، طرح «بنیاد امور جنگ‌زدگان» با اکثریت قاطع به تصویب نهایی رسید.

پس از آن سؤال دکتر آیت از وزارت اقتصاد دارائی درباره سرقت ۸۰ میلیون تومان از بانک ملی شعبه مهاباد و نیز در مورد چگونگی مصادره اموال نمایندگان مجلسین در رژیم گذشته، مطرح شد. پس از پاسخ دکتر نمازی وزیر اقتصاد و دارائی، به سئوالات، به تقاضای دکتر آیت و برای رسیدگی بیشتر، سئوالات به کمیسیون مربوطه ارجاع گردید.

آنگاه سؤال دکتر علی گل‌زاده شعوری مطرح شد. این سؤال در مورد وامهای پرداختی ایران، پیش و پس از پیروزی انقلاب، به کشورهای مختلف، از جمله پاکستان، ترکیه، مصر و اسرائیل و اقداماتی که برای استرداد آن صورت گرفته است، بود. دکتر نمازی در پاسخ لیستی از تمام کشورهای که بده آنها وام پرداخت شده، به نمایندگان ارائه کرد. قرار شد این لیست برای اطلاع همه نمایندگان تکثیر شود و در اختیار آنان قرار گیرد.

در پایان جلسه دیروز اعلام شد، که مجلس فردا (سه‌شنبه) به تقاضای وزیر مشاور، برای توضیح درباره «درکرگانهای آمریکائی و خرید ۵۶ میلیون دلار اسلحه، جلسه سری خواهد داشت.»

در حاشیه ...

بنی احمد چگونه از ایران رفت؟

دکتر نمازی، وزیر اقتصاد و دارائی، در پاسخ دکتر آیت، از جمله اشاره کرد که عده‌ای از نمایندگان مجالس طاغوفی از ایران گریختند. حاج‌الاسلام خلخالی گفت: «آقای نمازی گفتند که اینها در رفتند، نه، آقای بنی‌احمد را گذرنامه دادند رفت.»

تشکیل ستاد کمک به سیل‌زدگان بستک

کرد که به منطقه بستک ارسال شد.

همچنین اعضاء و هواداران حزب توده ایران، بنابه وظیفه انقلابی خویش، در تدارک جمع‌آوری و رساندن این کمک‌ها نقش فعال و موثری داشتند. سازمان حزب در اوز نیز مبلغ بیست هزار ریال بصورت کمک نقدی و چندین قلم کمک‌های جنسی در اختیار ستاد کمک‌رسانی قرار داد.

پس از جاری شدن سیل در بستک، از سوی جمعیت هلال احمر اوز فارس، در تاریخ چهاردهم اردیبهشت‌ماه سال جاری، ستادی جهت کمک به سیل‌زدگان تشکیل شد. در این ستاد با هیئتی اهالی «اوز»، «بیدشهر»، «تهنه»، «گوره» و «هود» و همچنین اعضاء و هواداران حزب توده ایران، کمک‌های شایانی جمع‌آوری شد. ستاد مزبور جمعا مبلغ ۱۴ میلیون و ۹۳۸ هزار و ۶۰۰ ریال کمک نقدی، چند کامیون کبیرسی و وانت‌بار مواد غذایی، پوشاک و مصالح ساختمانی جمع‌آوری کرد.

تحریکات ضد انقلاب ...

۱- یقیه از صفحه ۱ از «جوانمردان» (نیروی نظامی محلی متشکل از افراد بومی) محلی و افراد ژاندارمری ننده، در جاده ننده - پیرانشهر؛ ۳- مین گذاری در جاده‌ها؛ ۴- شبیخون‌های مکرر به مسافری در جاده ارومیه - ننده؛ ۵- پخش شایعات و وسیع علیه مسئولین متعهد و نهادهای انقلابی منطقه؛

۶- پخش وسیع اعلامیه‌های ارتش با مصالاح رهایی‌بخش ایران؛ گذشته از اینها، فئودال‌های منطقه نیز با نابسامان دیدن اوضاع بشدت فعال شده‌اند. آنها جلسات محرمانه‌ای با شرکت فئودال و ضدانقلابی معروف بهمن‌خان خسروی تشکیل میدهند و در صدد پس گرفتن زمینهای «کشاورزان هستند» از جمله این

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

آرش به حزب مادرش ۵۰۰ ریال
بیزنم ۱۰۰۰۰ ریال
کارکنان ن-ب ۹۰۰۰ ریال
ا - ح ۲۰۰۰۰ ریال
اهدائی فروغ ۲۰۰۰ ریال
بهن از آبکنار ۱۵۰۰ ریال
محمود از قزوین ۲۹۰۰ ریال

پیام شادباش

سازمان حزب توده ایران در یزد

به مناسبت برگزاری هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی

رفتای گرامی کمیته مرکزی حزب توده ایران هواداران و دوستداران حزب توده ایران در استان یزد، تشکیل هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران، حزب طرازونین طبقه کارگر ایران را در این لحظات حساس به شما صمیمانه تبریک میگویند و عهد می‌کنند که به مشی حزب، تا آخرین لحظه زندگیشان، وفادار بمانند. موفقیت حزب را در مبارزه بخاطر تثبیت و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب آرزومندیم. زنده باد حزب توده ایران، حزب طرازونین طبقه کارگر ایران!

توطئه تروریست‌ها در قزوین

بدنبال شهادت مسئول بسیج اهواز و یکی از پاسداران بندرعباس توسط عوامل ضدانقلاب، در قزوین نیز به‌طور مشابهی یک پاسدار مورد سوء قصد قرار گرفت.

به همین مناسبت از طرف سپاه پاسداران قزوین اطلاعیهای منتشر گردید، که در آن از جمله گفته میشود:

«گروهکهای خودفروخته آمریکائی، که نقشه‌های خائنانه خود را نقش بر آب می‌بینند، روز شنبه ۱۲ اردیبهشت ۶۰ شبانه به منزل یکی از برادران پاسدار یورش می‌برند. آنها با شلیک چند گلوله به طرف وی قصد ترور او را داشتند، که یکی از گلوله‌ها به وی اصابت نموده و او را مجروح می‌نمایند.»

با کمال خوشوقتی توطئه ترور این پاسدار عقیم ماند. ما ضمن جلب توجه مقامات مسئول به این توطئه جدید ضدانقلاب، از آن‌ها می‌خواهیم که قاطعانه تر با ضدانقلاب برخورد کنند.

شماره ۷ (اردیبهشت ماه) ضمیمه «نامه مردم» برای

جوانان توده منتشر شد

در این شماره مطالب زیر را می‌خوانید:

★ مصاحبه با رفیق مریم فیروز، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران: زنان در انقلاب و پس از آن، خاطراتی از سال‌های پس از شهریور ۴۰ و ۴۸ مرداد، سال‌های مهاجرت، مناسبات میان همسران جوان و...
★ بر اساس رهنمودهای هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران، در راه تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب بکوشیم!
★ اهمیت و نقش برنامه‌ریزی در انجام وظائف انقلابی
★ میزگرد کارگران جوان درباره «ارتقاء تخصصی»
★ گفتگویی با ایش‌هونکر: از زندانهای فاشسیم تا ساختمان زندگی نو
★ نظام تک حزبی یا چندحزبی در کشورهای سوسیالیستی
★ گفتگویی با منصور برزگر و رضا سوخته‌سرایی قهرمانان ورزش ایران و جهان
★ و مطالب سیاسی، هنری، ورزشی، داستان، شعر، سرگرمی و...

محصولات کشاورزی ارومیه در خطر نابودی است

محصولات کشاورزی و باغداری منطقه ارومیه در اثر نرسیدن سموم دفع آفات در خطر نابودی است. معمولا هر ساله پس از خاتمه فصل یخبندان درختان میوه در منطقه ارومیه سمپاشی می‌شوند. ولی امسال در اثر نبودن سموم، دفع آفات در بازار این کار صورت نگرفته است. همچنین علیرغم وجود جانوران موزی، داروهای مثل «تروپال» (برای از بین بردن کنه)، «زیتون» (برای از بین بردن کرم سیب) و غیره در بازار یافت نمی‌شود.

از طرف دیگر، باغداران و کشاورزان منطقه، شدیداً با کمبود روغن موتور برای ماشین‌های کشاورزی مواجه هستند. در صورت بموقع نرسیدن این مواد و وسایل، خسارات قابل‌ملاحظه‌ای به کشاورزی و باغداری منطقه وارد خواهد شد.
بر مسئولین وزارت کشاورزی است که با رسیدگی فوری به این مسئله، مانع از نابودی محصولات کشاورزی ارومیه شوند.
برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در چهره متحد خلق!

درباره تحریم فروش غله آمریکا به اتحاد شوروی و لغو آن

رسانه‌های گروهی خبر دادند که رئیس جمهور آمریکا رونالد ریگان، تحریم صدور غله از آمریکا به اتحاد شوروی را لغو کرد.

تصمیم به تحریم فروش غله آمریکا به اتحاد شوروی در دیماه ۱۳۵۸، پس از مباحثات زیاد، توسط حکومت گارتز گرفته شد. عده‌ای از سیاستمداران آمریکایی، از جمله جان پالاک وزیر کشاورزی، با این عمل دولت مخالف بودند، زیرا این اقدام گارتز را بیش از هر چیز به زیان کشاورزان آمریکا (فازرها) میدانستند. به دنبال دولت آمریکا، «بازار مشترک اروپا» نیز، که آتی در دست محافل امپریالیستی اروپای غربی وابسته به امریکاست، محدودیت‌هایی برای فروش غله به اتحاد شوروی مقرر داشت. حتی دولت استرالیا هم به پیروی از امپریالیسم آمریکا فروش غله به اتحاد شوروی را محدود کرد.

«امپریالیسم غربی»، که برای فریب افکار عمومی و گسترش تبلیغات ضد شوروی از هر رویدادی بهره‌برداری میکند، در صدد استفاده از این اقدام گارتز برآمد. مسئله را چنین وانمود می‌کردند که گویا این دولت شوروی است که سخت نیازمند خرید غله از امریکاست. میفسمی «متخصصان» شوروی ستیزی تا بدانجا پیش رفتند که حتی از احتمال «کرسنه ماندن مردم شوروی» سخن بمیان آوردند! لیکن سرانجام واقیفات بر

آن کشور از ۵۴۶ میلیون تن (سال ۱۹۱۷) به ۲۳۵ میلیون تن (سال ۱۹۷۸) افزایش یافته است. اکنون به حساب متوسط، به هر شهروند شوروی، از زن و مرد و کوچک و بزرگ، متجاوز از ۲۵ کیلو غله در روز میرسد. برابر آماری که سازمان ملل متحد منتشر کرده است، ارزش غذائی مصرف سالانه خوراک در اتحاد شوروی یکی از بالاترین مقام‌ها در جهان را دارد. همین چندی پیش بود که مطبوعات خبر دادند که اتحاد شوروی ۲۰ هزار تن غله به نیکاراگوئه هدیه کرد. در مقایسه با این رقم (۲۳۵ میلیون تن غله در سال) است که کارشناسان به حق متذکر شده‌اند: عدم صدور ۱۷ میلیون تن غله از آمریکا به اتحاد شوروی در سال گذشته، فقط به درآمد کشاورزان ایالات متحده، حداقل برای مدتی، زیان وارد ساخت.

از اینرو نیز، در پی تظاهرات اعتراضی و راهپیمایی‌های کشاورزان آمریکا، دولت ریگان ناچار دستور تحریم فروش غله به اتحاد شوروی را لغو کرد.

بالفاصله پراز دستور ریگان، دولت استرالیا نیز اعلام کرد که از این پس محدودیتی برای فروش

مرگ فاجعه آمیز «بابی سندز» مبارز ایرلندی سندن تازه‌ای است بر محکومیت امپریالیسم در دادگاه تاریخ

مرگ فاجعه آمیز بابی سندز، مبارز ایرلند شمالی، در همه کشورهای جهان موجی از خشم و نفرت و اعتراض علیه رفتار ددمنشانه دولت انگلیس نسبت به مبارزان راه استقلال و آزادی برانگیخته است. دولت انگلیس با امتناع از خواست عادلانه بابی سندز در مورد شناسایی حقوق زندانیان سیاسی برای مبارزان ایرلندی، با خونسردی و قسوت آدمکشانه خرخره‌ای، به زندگی قریبی خود پایان بخشید.

بابی سندز، که به نشانه پشتیبانی مردم از مبارزات حق طلبانه وی، در همان زندان، به نمایندگی پارلمان انگلیس برگزیده شده بود، نتوانست در تالار کاخ هوست می‌نستر، اعتراضات خلقی را که به آن تعلق داشت، از سیاست اشفالگراانه و فاشیستی دولت انگلیس نسبت به مردم ایرلند شمالی ابراز کند. وی موفق نشد که از پشت تریبون پارلمان انگلیس خودسریها و بیعدالتیهای را که دولت انگلیس نسبت به هم‌پیمانانش اعمال میکند، بیان دارد و از حقوق و استقلال ملی آنان دفاع کند. اما بابی سندز با ایثار جان خود به این هدف نائل آمد که، ندای حق طلبانه وی و هم‌زمانش به گوش جهانیان برسد و با مرگ خود، سند تازه‌ای از محکومیت امپریالیسم را در برابر دادگاه تاریخ ارائه دهد.

مرگ فاجعه آمیز بابی سندز به فهرست سیاه جنایات بی‌شمار امپریالیسم انگلستان، از تبعیض نژادی و ترور و زورگویی، که از جمله نصیب صدها هزار تن از مبارزان ایرلند شمالی و سایر خلفای جهان گشته، افزوده میشود و تمامی ماهیت زشت و نفرت‌انگیز امپریالیسم ددمنش را به نمایش می‌گذارد.

مردم سراسر جهان، در عین حال که در برابر پایداری قهرمانانه بابی سندز در مقابل زور و ستم سر تعظیم و ستایش فرود می‌آورند، به ترویج و ریاکاری سیاست امپریالیستی بیش از پیش آگاه میشوند. مارگارت تاچر نخست‌وزیر انگلیس، مبارزان ایرلند شمالی را، که در راه استقلال و کسب حقوق و آزادی ملی خود مبارزه میکنند، «اقلیت تروریست» جدا از مردم می‌نامد و می‌خواهد به زور ارتش اشغالی آنها را سرکوب کند. رونالد ریگان رئیس‌جمهور آمریکا، جنبشهای رهایی‌بخش خلقها در مناطق مختلف جهان را «تروریسم بین‌المللی» می‌نامد و علیه این جنبشها اعلان جنگ میدهد. بدین ترتیب امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم جهانخواار آمریکا، مخالفت و ستیزه‌جویی خود را با همه خلقهایی که در راه رهایی از بندهای نواستعماری و وابستگی امپریالیستی بی‌اختاسته و بخاطر حقوق ملی و استقلال و آزادی میهن خود مبارزه میکنند، اعلام کرده است و سرکوب این خلقها را با نیروی نظامی از حقوق و وظایف خود میداند.

اما مرگ فاجعه آمیز بابی سندز، مبارز ایرلندی، در واقع عکس این اعدای تاچر و ریگان را در مورد جنبشهای رهایی‌بخش خلقها به اثبات رسانید و نشان داد که این دول امپریالیستی هستند که سیاست تروریستی و آدمکشی را نسبت به مبارزان راه استقلال و آزادی در پیش گرفته‌اند. در تاریخ مبارزات رهایی‌بخش خلقهای جهان، نمونه‌های تکان‌دهنده فراوانی از عملیات تروریستی و کشتارهای دستجمعی میهن‌دوستان از جانب امپریالیسم آمریکا و دیگر دول امپریالیستی و رژیم‌های دست‌نشانده آنها وجود دارد.

از جمله سیاست دولت آمریکا و دیگر دول امپریالیستی از همان آغاز اوجگیری جنبش انقلابی در مین ما و پس از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ما سیاست توطئه، تجاوز و ترور و آدمکشی بوده است. ولی اقدام انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در تسخیر جاسوسخانه آمریکا، که بازتابی از خشم و نفرت عمیق مردم مین ما نسبت به توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ما بود، از جانب مقامات رسمی آمریکا یک اقدام «تروریستی» نامیده شد!

ریگان، پس از احراز مقام ریاست جمهوری آمریکا، طی یک مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت که آمریکا نمی‌بایست برای آزادی «گروگانها» مذاکره میکرد، بلکه می‌بایست «اولتیماتوم» میداد. ریگان گفت که بازداشت «گروگانها» یک «اقدام جنگی» بوده و «گروگان» گیرها «آدم‌ریا» هستند! دیگر مقامات رسمی آمریکا نیز دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را «تروریست» نامیدند. و این درست در حالی بود که امپریالیسم آمریکا در تجاوز نظامی طیس و توطئه کودتای نوزده علیه جمهوری اسلامی ایران، کشتار جمعی میلیونها نفر از هم‌میهنان ما را طرح‌ریزی کرده بود، یعنی تجاوز و توطئه‌ای که در واقع طرح عملیات تروریستی در سطح سیاست رسمی دولت آمریکا بود.

مرگ فاجعه آمیز بابی سندز، مبارز ایرلندی، تأییدی بر این واقعیت است که سیاست دول امپریالیستی در رویارویی با مبارزات حق طلبانه خلقها سیاست تروریستی و آدم‌کشی است و هر کجا که خلقها به مبارزه در راه رهایی از بندهای استعماری و نواستعماری امپریالیستی و بخاطر کسب استقلال ملی برمیخیزند، امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا، چهره کریه و ضدانسانی خود را از پرده برون می‌آورد و ددمنشانه‌ترین شیوه‌های سرکوب و ترور را بکار می‌بندد.

گفتگوهای ایندیپرا گاندی و رهبران کویت درباره اوضاع منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند

در کویت، گفتگو میان رهبران این کشور و خانم ایندیپرا گاندی، نخست‌وزیر هند، که از کویت دیدار میکنند، آغاز گشت. در این دیدار رسمی، که سه روز طول خواهد کشید، مسائل حاد بین‌المللی بررسی خواهد شد. در این زمینه، گوشش برای تنش‌زدایی در خلیج فارس و اقیانوس هند نقش ویژه خواهد داشت. در ماههای اخیر، فعالیت نظامی ایالات متحده آمریکا به وخامت اوضاع در این منطقه انجامیده است. به گزارش «آسوشیتدپرس»، پیشنهادهای سازنده لتوید پرژتف درباره عادی‌سازی اوضاع در خلیج فارس یکی از مهمترین مسائل مورد بحث خواهد بود.

اثر یقین جنوبی تجاوزی را علیه زیمبابوه تدارک می‌بیند

بگفته وزیر کشور زیمبابوه، نژادپرستان آفریقای جنوبی تجاوزی را علیه زیمبابوه تدارک می‌بینند. وی که در کنفرانس مطبوعاتی در سالیسبوری شرکت میکرد، گفت: پیشاهنگ تجاوزکاران، ۵۰۰۰ مزدور خواهند بود، که اکنون در اردوگاههای ویژه در آفریقای جنوبی آموزش می‌بینند. وزیر کشور زیمبابوه یادآور شد که: «رژیم آپارتاید، با برخورداری از پشتیبانی وسیع ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی، به ثبات‌زدایی، نه تنها در زیمبابوه، بلکه همچنین در آنکولا، موزامبیک و زامبیا کوشش می‌ورزد».

انگیزه عمده استراتژی امپریالیستی واشینگتن سیادت نظامی بر مناطق ثروت‌خیز است

«پروادا»، در مقاله مهمی که در روز ۲۰ اردیبهشت ۶۰ چاپ کرد، نوشته است که: «انگیزه عمده استراتژی امپریالیستی ایالات متحده آمریکا، میل «واشینگتن» به سیادت نظامی بر بهترین منابع مواد خام و انرژی در جهان است. ایالات متحده، می‌اندیشد که، از اینراه، آسانتر خواهد توانست اراده خود را بر دیگر کشورها تحمیل کند و رهبری خویش را در جهان سرمایه‌داری تحکیم بخشد».

بنوشته «پروادا» «این پدیده را همچنین در سیاست تبارسی سازشکارانه با آفریقای جنوبی میتوان مشاهده کرد، که از نظر منابع مواد خام استراتژیک، کشوری غنی است».

«پروادا» می‌افزاید: «همین مقاصد انگیزه تمرکز نیروهای دریایی «واشینگتن» در منطقه ثروت‌خیز خلیج فارس و تشکیل «سپاه واکنش سریع» بوده است».



دانشجویان صد کشور رشد یافته جهان در کشورهای سوسیالیستی بطور رایگان تحصیل می‌کنند

در سالهای هفتاد، کمک فرهنگی کشورهای «شورای همپاری اقتصادی» به کشورهای رشد یافته دو برابر شد.

اکنون ۴۳ هزار دختر و پس جوان از صد کشور رشد یافته جهان بطور رایگان در دانشگاهها و مدرسه‌های عالی اتحاد شوروی، لهستان، جمهوری دموکراتیک آلمان، بلغارستان، چکسلواکی، مجارستان به تحصیل مشغولند.

انتقاد شدید رهبران قبیله‌های سرخپوست از دولت ریگان

در ایالات متحده آمریکا، رهبران بیش از ۱۵۰ قبیله سرخپوست از دولت ریگان انتقاد شدید کرده‌اند، که حقوق مردم بومی این کشور را نادیده می‌گیرد.

رهبران قبایل سرخپوست، در یک گردهمایی در واشینگتن، تهدید کردند که چنانچه دولت آمریکا کماکان به نقض حقوق آنان ادامه دهد، به دادگاه بین‌المللی لاهه یا سازمان ملل متحد شکایت خواهند برد.

نام مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸

(دفتر «نامه مردم» هنوز در اختیار «نامه مردم» نیست)

چاپ: کاویان

NAMEH MARDOM

No. 509
11 May 1981

Price:

West-Germany	0.80	DM
France	2	Fr.
Austria	8	Sch.
England	20	P.
Belgium	10	Fr.
Italy	350	L.
U.S.A.	40	Cts
Sweden	1.50	Skr.

خوانندگان گرامی «نامه مردم» و همه مقامات دولتی و غیردولتی میتوانند به آدرس زیر با «نامه مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۱۴/۳۵۵۹، منطقه پستی تهران

باتشکیل شورای تفاهم ملی، جبهه متحد خلق را پی بریزیم